

اردوی مشهد مقدس

نماز شاکله ذکر

استاد اخوت

آذر ماه ۹۸_مشهد مقدس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

۳.....	جلسه اول ۹۸/۹/۱۳-۱.....
۳.....	آداب زیارت.....
۵.....	اردوی نماز.....
۶.....	حس گرایی، غرب گرایی و دنیاگرایی.....
۷.....	مراحل کار در مورد نماز.....
۸.....	جایگاه نماز نزد خدا.....
۱۱.....	جلسه دوم ۲_ ۹۸/۹/۱۳.....
۱۱.....	قصد اول ارائه مطالب به مخاطب.....
۱۱.....	واژگان ذکر و قران به عنوان معادل صلاة.....
۱۱.....	صفات همراه با نماز.....
۱۲.....	اهمیت اجزاء نماز.....
۱۳.....	صورت و شکل نماز.....
۱۷.....	جلسه سوم ۱_ ۹۸/۸/۱۴.....
۱۷.....	بررسی کارهای انجام شده توسط اعضای گروه.....
۱۹.....	بررسی نماز از حیث خیر.....
۲۰.....	فعال سازی اذان در خانوادهها.....
۲۲.....	جلسه چهارم ۲_ ۹۸/۹/۱۴.....
۲۲.....	سؤال و نیاز.....
۲۲.....	استخراج مطالب از قران در مورد نماز.....
۲۲.....	نکته اول: تمایز قائل شدن بین احکام نماز و خود نماز.....
۲۳.....	نکته دوم: شباهت نماز و ایمان.....
۲۶.....	نکته سوم : نگاه به نماز به صورت منظومه.....
۳۰.....	جلسه پنجم ۹۸/۹/۱۵.....
۳۰.....	حمد و نماز.....
۳۱.....	صلوات و نماز.....
۳۵.....	دست‌نوشته‌های ایستاد اخوت.....

برنامه کاری اردو را با سلام خدمت امام آغاز می‌کنیم و انشالله ثمرات آن را خواهیم دید.

به رسم ادب شروع جلسات را با آداب زیارت پی می‌گیریم.

آداب زیارت

از آداب زیارت غسل، استغفار و توبه است. **طهارت، استغفار و توبه** که در واقع این سه مقدمه زیارت است و شبیه به وضو برای نماز هستند که اگر وضو گرفته نشود نماز اقامه نمی‌شود. استغفار برای زیارت مثل وضو برای نماز است.

از سطوح **استغفار** در جلسات خود بسیار گفته‌ایم ولی آنچه مهم است این است که هر کسی خودش می‌داند که چه **عیب‌هایی** داشته و چه لطماتی را به **دیگران** زده است. ممکن است فقط ده درصد آنها را بداند، همین مقدار که به ذهن می‌رسد را طلب کند تا جبران شود. بعد از استغفار به طور قطعی متوجه می‌شود که بواسطه استغفار غفران برایش اتفاق می‌افتد و این در فرد ایجاد **حسن ظن** می‌کند.

پس از آن نوبت به **توبه** می‌رسد. توبه وضعیتی از انسان است که توجه‌اش را قطع نکند. در **وضعیت طهارت** باقی بماند بنابراین توبه **استمرار توجه** است که پس از غفرانی که اتفاق افتاده است برای دریافت کامل و برای نهایت غفران لازم است تا انسان به نتیجه اصلی خود برسد.

حتما هر استغفاری به توبه نیاز دارد. توبه را به بازگشت معنا می‌کنند ولی اصل توبه **تثبیت توجه** است به نحوی که انسان به خطا باز نگردد. این خیلی مهم است چون انسان کار اشتباهی را انجام می‌دهد و اتفاقا پشیمان هم می‌شود استغفار هم دارد و برایش جبران می‌شود ولی بعد از مدتی مجدداً آنرا تکرار می‌کند و این نشان می‌دهد توبه برایش اتفاق نیفتاده است. به همین دلیل در سوره مبارکه هود^۱ سه امر عبودیت و استغفار و توبه مطرح می‌شود که نتیجه این سه می‌شود اینکه هر کسی به هر توان و استعدادی که خداوند به او داده است می‌رسد و در طول عمرش از هر حسنه و حسنی استفاده می‌کند و این یعنی دوران زندگی خود را عاری از اشتباه و گناه می‌کند. فضل و برتری و استعدادهای انسان در **متن پاک** شکوفا می‌شود و در ناپاکی استعدادهای انسان شکوفا نمی‌شود.

الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱) أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْ نَّذِيرٍ وَبَشِيرٍ (۲) وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (۳) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴)

بنابراین اولین کار در زیارت استغفار کردن است که یک بخش آن شامل **اشتباهات** فرد در زندگی می‌شود و بخش دیگر که خیلی مهم است اشتباهاتی است که توسط ما انجام شده است و **آسیب** آن به **دیگران** رسیده است و برخی هم اساساً اشتباه نیست بلکه **عدم توان‌مندی** است. کسی که توان‌مندی داشته است برای جذب افراد در مسجد ولی اینکار را نکرده است و آنها دچار انحراف شده‌اند.

خیلی از اشتباهات ما از این جنس است و نوعاً ما این موارد را جزئی از کارهای خود نمی‌دانیم. می‌خواهیم در این دوره برای کارهای نکرده و توان‌های اظهار نشده پیمان استغفار کنیم. کارهایی که باید انجام می‌دادیم ولی به خاطر کتاب نخواندن و توجه بی‌مورد به خود و یا جرأت نداشتن و یا ترسیدن و یا خودکم‌بینی یا عدم برنامه‌ریزی و... انجام نداده‌ایم. اینها گناہانی می‌شود که به دلیل کم‌کاری ما زمینه گناه در دیگران فراهم شده است. سستی‌های زیادی که به خاطر آنها خیلی کارها را نکرده‌ایم. اگر چنین نگاه کنیم و از امام بخواهیم چنین باری را از دوش ما بردارند و به ما بگویند که چه باید بکنیم تا کسی به خطا نیفتد.

انسان دارای زندگی اجتماعی است و حتی گناہانش بر روی وضعیت هوا و باران و ... اثر می‌گذارد و اینگونه نیست که هر کسی هر گناہی کرد اثری نداشته باشد. خدایا بخاطر باران‌هایی که به واسطه **گناہان** من نیامده است و خشکسالی‌هایی که من در آن دخیل بوده‌ام، استغفار می‌کنم از نمازهایی که اقامه نشده است و من در آن دخیل بوده‌ام. استغفار فقط اظهار پشیمانی نیست بلکه طلب فعال شدن برای انجام کاری است. باید این استغفار در قصد و عمل انسان ظاهر شود و این ماندگار شود و به این ماندگاری توبه گویند. برای برنامه‌ریزی‌ها باید استمرار داشته باشد. اگر فقط انسان یک سفر مشهد برود و همین را درست کند برای یک عمرش کافی است. هر کسی خود را در پیشگاه الهی مقصر بداند. پس اینهمه خطا و جدا شدن افراد از دین تقصیر کیست؟ بالارفتن سن ازدواج تقصیر کیست؟ باید از کره مریخ بیابند برای وساطت؟ تجملاتی شدن زندگی‌ها تقصیر کیست؟ سبک زندگی ما از طریق ابلیس شبیه به **سبک زندگی دشمن** می‌شود و ما را به خواب می‌برد. ذائقه ما را عوض می‌کند و ما نسبت به مشکلات جامعه مثل گرانی و بیکاری و خشکسالی و انزوای علما و ... مسئول هستیم. هر کسی به سهم خودش بسم الله بگوید و استغفار کند خداوند به برکت او خیلی از **فتوحات** را نازل می‌کند به راحتی و به سهولت. به عدد نیست. کافی است بدانیم وضعیت استغفار اینگونه است.

به تجربه برای من ثابت شده است که فتوحات در اثر **کثرت** انسان‌ها محقق نمی‌شود بلکه در اثر وجود تک آدم‌های **بیدار** و **بینا** ایجاد می‌شود. انشالله جزئی از افراد بیدار و بینایی باشیم که در اثر بیداری و بینایی ما آسیب‌های جدی از مومنین عالم و مردم فطری سالم عالم جدا شود. ما نسبت به مسلمان بودن مردم کشورهای مختلف مسئول هستیم و اینکه بخواهیم ذهن را در **چهارچوب بسته** زندگی خودمان نگه داریم اسمش استغفار نیست.

هفتاد استغفار امیرالمومنین را در صحیفه علویه نگاه کنید که بخش‌های عمده استغفار ایشان در این خصوص است. یکی از استغفارهایشان این است که تک تک آیات استغفار قرآن را می‌خوانند و برای هر کدام استغفاری دارند. حضرت آن کارها را

نکرده‌اند ولی دیده‌اند در جایی در عالم سوء و فحشایی در حال انجام است و گفته‌اند چرا من نباید کاری کنم که جلوی او را بگیرم و حتی سوء و فحشای دیگران را به خود نسبت داده است. کاری می‌کند که کسی فکرش به سوء و فحشا نرود.

قرار نیست کاری کنی، توقف باید **اراده** کنی و فکری کنی برای اینکه فساد در عالم برچیده شود و از فسادها خوشت نیاید و استغفار کنی از آنها. وضع استغفار به گونه‌ای است که هر کسی به اندازه **چشم‌انداز** و افق دیدش قدرت استغفار پیدا می‌کند و هر چه بامش بیش برفش بیش.

خدمت امام رضا رسیده‌ایم که بگوییم پشت ما سنگین است از گناهان و فقط شما می‌توانی این وزر را برداری چون هر چه فکر می‌کنیم ما تحمل این حجم از گناهان را نداریم و به شما پناه آورده‌ایم... ففروا الی الله... ما به سمت خدا فرار کرده‌ایم و به سراغ شما آمده‌ایم.

انشالله که با **زیارت مقبول** بازگردیم یعنی اولا استغفار و توبه کردن را به ما یاد دهند و اینکه به ما یاد بدهند که چگونه توبه خود را حفظ بکنیم. به ما نگاه کنند و ببینند که در حیطه زندگی خود کجا می‌توانیم باشیم و نیستیم. کجا باید حضور علنی داشته باشیم و نیستیم و بعد به ما **ماموریت** بدهند و بگویند از جانب ما بروید مشکلات را حل کنید. این می‌شود زیارت.

زیارت یعنی اینکه باری از گناه را آورده‌ام و آنرا خالی می‌کنم و بار **مسئولیت** را پر می‌کنم و می‌روم و چنین زیارتی هر چند وقت یکبار **واجب** است. چنین زیارتی را مستحب نمی‌دانم چرا که اگر انسان نیاید در گناهان خودش غوطه‌ور می‌شود و در جهل مرکب خودش فرو می‌رود. از راه‌های خروج از **جهل مرکب** رجوع کردن به یک عالم شاهد است و عرضه توان‌مندی‌های خود و اظهار تقصیر است با خضوع و خشوع و دریافت ذکر و معنویت و مسئولیت است و توفیق دوام آن و رفتن در میدان. چنین کسی در هر حالتی که از دنیا برود **شهید** رفته است.

آداب زیارت استغفار و سلام و نماز است و این سه پایه زیارت می‌شود. و اگر کسی همین کارها را انجام دهد انشالله زیارتش مقبول است. بعد از آن اگر استغفارها و... را طولانی کنیم در واقع برای آموزش خودمان است.

اردوی نماز

اسم این اردو را نماز گذاشته‌ایم به دلیل اهمیت نماز و وصف‌هایی که در قران برای نماز آمده است. خیلی عجیب است و خصوصیات ویژه‌ای برای آن ذکر شده است. می‌گویند نماز بخوان میل به فحشا و منکر را از بین می‌برد. این وعده خداست و وعده خدا صدق است. اگر کسی به دنبال معنویت در زندگی است وعده داده شده است که نماز ذکر است و اگر نماز بخواند درست می‌شود.

نزدبان عروج مومن است و اگر نماز انسان مقبول باشد بقیه کارهای او هم مورد قبول است و اگر قبول نباشد بقیه قبول نمی‌شود. وصف‌های زیادی در این خصوص آمده است و مطالب مهمی آمده است.

حس گرایی، غرب گرایی و دنیاگرایی

بحث استعینوا بالصبر و صلاه^۲ در سوره بقره دو بار تکرار شده است و در جاهایی که توان افراد کم می شود و حتی در جایی که مصیبت های مختلف بر شما وارد می شود استعینوا بالصبر و صلاه را می گوید و صلاه را با صبر همراه می کند. صبر از جنس پایداری است و نماز جنسش توجه خالصانه به خدا همراه با یکسری از آداب است. بعد از آن وصف صلاه را مطرح می کند. بنظر می رسد در دورانی هستیم که **نیاز به استعانت** داریم و خیلی به کمک های معنوی و علمی و اقتصادی نیاز داریم. خیلی ها گرفتاری هایی دارند که برای رفع گرفتاری ها نیاز به کمک دارند. بشر امروز به دلیل پیچیده شدن فتنه های آخر زمانی و شیطنت هایی که دشمنان می کنند خیلی نیاز به استعانت دارد.

خدا در قران در سوره بقره **امر به استعانت** داده است. بخش عمده ای از سوره بقره مربوط به بنی اسرائیل است یعنی تبعات حس گرایی، غرب گرایی و دنیاگرایی است. این سه مفهوم با هم خیلی ارتباط نزدیکی دارند. **حس گرایی** این است که انسان تمایل دارد بچه بماند و بزرگ نشود. **دنیاگرایی** یعنی لهو و لعب و زینت و تفاخر و تکاثر و این فرق دارد و دارای مراحل است. بدون برنامه بودن و بی مقصدی و باری به هر جهت بودن می شود دنیاگرایی. **غرب گرایی** این است که حس گرایی و دنیاگرایی تبدیل به مکتب می شود. فلسفه و نظریه و مکتب هم پیدا می کند و دارای نظام می شود. نظام رسانه و هنر و .. پیدا می کند. در سوره تبعات این سه را مطرح می کند. بنی اسرائیل های این سوره این سه بخش را دارد. بنی اسرائیلی که به حضرت موسی ایمان می آوردند ولی دلشان نمی خواهد بزرگ شوند. بعد از آن کم کم دنیاگرا می شوند و بعد مکتب پیدا می کنند. تبعات هر کدام از این موارد فرق می کند. وقتی انسان کوچک است و بزرگ نیست از مواهب بزرگ بودن محروم می شود. در دنیاگرایی به شدت زندگی اش هرز می رود و به سمت پوچی شدید می رود. انواع اضطراب و استرس ها سوغات دنیاگرایی است. در حس گرایی آفت ها کمتر است. در دنیاگرایی چون به چیزهایی که متغیر هستند دلخوش می کند و مرتب اینها باطل می شوند همینطوری در تزلزل و حال بد است و همه حال بدی ها به این دنیاگرایی باز می گردد و وقتی تبدیل به مکتب می شود اوج فاجعه رخ می دهد. شبیه آن چیزی که سند بیست سی می کند. سندهای غربی انحراف را **نهادینه** می کنند و تبدیل به نظام آموزشی می کنند و جوری آن را باورمند می کنند که اگر انسان ها غیر آن زندگی کنند اساسا محال است. نظام های آموزشی درست می کنند و بر اساس آن انسان ها را استعمار می کنند. یک بدبختی عمومی ایجاد می کنند مثل آلودگی هوا که یک بدبختی نظام مند است. این آلودگی نظام مند است و کودک و پیر هم نمی شناسد و همه را درگیر می کند و یک مرتبه از میانگین عمر همه، سال ها کاسته می شود. بدبختی های نظام مند که پیر و جوان نمی شناسد. این غرب گرایی است. یک تکنولوژی دارد که به ظاهر مورد توجه قرار می گیرد. پتروشیمی بی خردی انسان بوده است که اینهمه تولید آلودگی کرده است. دنباله رو تمدن

^۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (سوره مبارکه بقره)

غرب بودن. تبعات حس گرایی و دنیاگرایی و غرب گرایی که دخالتی در آن نداشته‌ایم برای ما سرریز شده است و سوره بقره گفته است از صبر و صلاه مدد بجوئید. آیا می‌شود نماز و صبر این مشکلات را حل کند؟ خدا گفته است پس انسان می‌تواند با صبر و صلاتش جلوی خیلی از این مفاسد را بگیرد. با نماز می‌توان جلوی بیماری و آلودگی و ... را گرفت و این نکته خیلی مهمی است و کسی این آیه را می‌فهمد که تبعات آن دشمن را بفهمد.

دوره **افول تمدن غرب** است. در این افول خود هر لگدی که بتواند می‌زند و در این دوره لگدپرانی‌هایش زیاد است و کسانی که در این دوره زندگی می‌کنند به دلیل ایجاد استرس‌های شدید خیلی بیچاره می‌شوند و باید تعدادی باشند که استعانت به صبر و صلاه داشته باشند.

صلاه در زندگی امروز ما علاوه بر اینکه عامل معنویت است عامل حفظ و بقاء نوع انسان و تکامل اوست و نقش برجسته‌ای دارد و امروز یک حرز و حفظ و نجات و کشتی نجات است. خیلی شئون خاصی دارد. نمی‌خواهیم اغراق کنیم و هر چه بگوییم کم گفته‌ایم.

مراحل کار در مورد نماز

موضوع کار ما بحث نماز است:

- ✓ باید اول ببینیم خدا در قران در مورد نماز چه مطالبی را بیان کرده است و این حداقل کاری است که باید انجام شود. در مورد اینکه نماز باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد باید اطلاع داشته باشیم.
- ✓ بعد از شناخت آن باید نماز را در زندگی خود احیا کرد و چنین نمازی را باید در زندگی خود احیاء کرد و اقامه‌اش کرد و آنرا شهود کرد و لمس کرد. باید در زندگی خودش آنرا اظهار کند. در قران و روایات این موارد آمده است. بنابراین دومین کار می‌شود **اظهار نماز** و در خدمت آن نماز بودن برای خودمان.
- ✓ سومین کار قرار گرفتن در وضعیت **اقامه** است. هر کسی نماز دارد وظیفه دارد آن نماز را در جامعه تکثیر کند. باید در جاهای مختلف آنرا تکثیر کرد. از خود به اقامه رفتن.
- ✓ چهارمین کاری که باید انجام شود، **تنويع** و متنوع کردن نماز است. احیای انواع نمازها، نمازهای مستحبی و نماز شب و ... تنويع نماز مثل این است که برای مشکلات مختلف شما از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنید. برای هر مشکلی یک نماز. از اول بحث تنويع را مطرح نمی‌کنیم. باید ابزاری شود برای گره‌های کور جامعه. گره‌های نسل توحیدی و گره‌های پیوند توحیدی را باید باز کرد.
- ✓ ارتباط سطح معرفت نسبت به نماز کار پنجمی است که باید انجام شود. ارتقاء نماز را با تعقیبات نماز حضرت صدیقه انجام دادیم. بار معرفتی آن وقتی در ما شکل می‌گیرد که به ترتیب عمل کنیم.

قبلا از آخر شروع کردیم ولی می‌خواهیم به سراغ اولین مورد برویم تا ببینیم گره‌ها باز می‌شود یا خیر. هر وقت گره‌ای باز شود می‌گوییم گره باز شده است. پایین آوردن سن اشتغال. اتفاق بیفتد و آنرا ببینیم و...همش نمی‌توان در هیروت زندگی کرد. انسان در عین زندگی می‌کند و باید در همین فضا گره‌گشایی‌ها را دید. اگر ازدواجی رخ نداده است یعنی گره‌گشایی نشده است. باورتان نشود اگر گره‌ای باز نشده است اتفاقی رخ داده است. آنچه در عین دیده می‌شود مهم است. ثمره نماز باید اقامه عدل باشد و گرنه اقامه نماز نیست و در این خصوص شوخی ندارند. اگر اقامه نمازی به اقامه عدل کمک نکرد اسم آن اقامه نماز را اقامه نماز نگذار. بدون تعارف. تعارف کردن بس است دیگر. این حرف را دشمن به خوبی فهمیده است. دشمن تا یک نفر را از هدایت خارج نکند و به منجلا ب سوء و فحشاء نکشاند نمی‌گوید من کار کرده‌ام.

مسیر این است که اول باید شناختی نسبت به بحث نماز پیدا کنیم و ببینیم که خداوند نسبت به نماز چه پیشنهادی به ما داده است. برای اینکار گروه‌بندی شدن افراد و قبول هر جزء توسط افراد مختلف و خواندن سوره‌ها برای دیدن نمازهای آن. دست‌نوشته‌هایی در این خصوص در گروه قرار داده شد. [دست‌نوشته‌ها در انتهای متن ارائه شده است]. مثلا اینکه آیا ما می‌دانیم هر چقدر انسان عاقل‌تر شود گرایشش به نماز بیشتر می‌شود. یعنی کم شدن میل به نماز نشانه **مغلوب شدن عقل** و غالب شدن هواست. خیلی خوب است که در یک حرکت جمعی در مورد اینکه خداوند در قرآن در مورد نماز چه فرموده است احصا شود.

کار دوم بعد از این مرحله است این است که چه کنیم تا این نماز در زندگی حاضر شود و در خانواده ظاهر شود. کاری به نمازخوان شدن اطرافیان نداریم. می‌خواهیم ببینیم چگونه نمازهایمان ارتقاء داشته باشد. این مقدمه اقامه است. تا کسی طعم نماز را نچشیده باشد نمی‌تواند به دیگران منتقل کند. تا وقتی انسان چیزی را حس نکند نمی‌تواند انتقال دهد و از اشکالات کار ما این است که چیزی را که برای خودمان جذاب نیست را می‌خواهیم برای بقیه جذاب کنیم.

ما در موقعی که برای نماز ایستاده‌ایم احساس ملاقات خدا را نداریم و بعد می‌خواهیم به بچه خودمان بگوییم نماز ملاقات خداست. الفاء‌ها در باور است و چشیدنی است. حس کردن نماز شب و فهم مفهوم تاریکی و انتقال آن به دیگری. وقتی سجده می‌کنی همه جا تاریک می‌شود مثل نماز شب که در تاریکی می‌خوانی. یک بار باید تجربه کرد تا آن حس منتقل شود. در مدارس وقتی معلم‌ها در وقت نماز در حال استراحت هستند چگونه بچه‌های آن مدرسه می‌خواهند نمازخوان شوند. انسان‌ها اول با حس هایشان حرف را منتقل می‌کنند بعد با کلام هایشان.

مسیر اقامه نماز از شناخت نماز و حضور آن در زندگی می‌گذرد. اول باید آنرا فهمید و برای خودمان برنامه داشته باشیم و بعد به سراغ دیگران برویم. چگونه می‌شود نمازی را در زندگی اظهار کرد که بتواند ما و زندگی‌مان را حفظ کند. خواصی که در آیات به آنها اشاره شده است و خدا نماز را برای آن خلق کرده است در زندگی ما جاری شود.

جایگاه نماز نزد خدا

نماز برای خدا مهم است و اگر در این سفر نتوانم همه آیات را در مورد نماز بینم حتما بعدها بارها و بارها اینکار را انجام خواهد داد. می توان در قرآن نگاه کرد و دید چه چیزهایی در قرآن اهمیت دارد. اهمیت نماز چسبیده به رسول است و بعد از رسول چیزی محبوب تر نزد خدا نیست. چه اینکه نماز **صورت ملکوتی رسول** است. نماز وجه ملکوتی پیامبر است. وقتی الله اکبر می گویند از وجه ملکوتی رسول برای ملاقات خدا استفاده می کنید. همه حیثیت رسول این نماز است و پیامبر شأنی جز این نماز ندارد.

آیات اولیه سوره مومن در مورد امیرالمومنین و در آن آیات گفته می شود که دائما نمازشان را حفظ می کنند^۳... علی نماز مجسم است. اگر کسی نمازشناس شود یعنی امام شناس و پیامبرشناس هم می شود.

قصد کنیم خداوند نمازی به ما بدهد که دعای یتیم نکنیم و نسبت به مسکین هم بی تفاوت نباشیم. یتیم ها و مسکین های روزگار خود را بشناسیم و از خودمان سلب مسئولیت نکنیم^۴.

این حرف مرا خیلی جدی بگیرد و با اعتقاد گوش دهید:

یک جمع کمی مثل همین جمع شما می تواند جلوی فتنه ها و بلاهای زیادی که طرح ریزی شده است

برای مردم را بلاگردونی کند. این وعده الهی است که می تواند. نه با ۱۵۰ نفر بلکه با ۵؛ ۱۰، ۲۰ نفر... اصحاب کهف چند نفر بودند؟ به برکت قیام آنها خداوند جمعی را موحد کرد. هنوز آیه خدا هستند بعد از اینهمه سال. به تعداد نیست. هر چند تعداد خوب است برای پوشش نواقص. قصد کنیم که از بلاد عالم مثل هند و پاکستان و ... که اگر بخواهند شیعه باشند چقدر بیچاره شان می کنند. نمی دانید شیعه بودن در عراق چقدر سخت است. نشان به آن نشان که خانواده همه علمای عراق کشته می شوند. **مومن بودن در عالم امروز با هزینه است و من و شما در امنیت کامل هستیم و وظیفه من و شما این است که از عالم بلاگردونی کنیم.**

^۳ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

^۴ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكذِّبُ بِالْإِيمَانِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

می‌گویند می‌شود، شما به قول خدا اعتماد کنید نه به خوبی‌های خودتان. بنای شما این باشد که چنین کنید. از خدا بخواهید به شما نشان دهد. خیلی وقت‌ها علت عدم اعتماد ما این است که اتفاقات رخ می‌دهد و به ما نمی‌گویند. بخواهید تا بگویند. قلب ما مطمئن شود.

انشالله این اتفاق بیفتد. اگر این حرف را با عمق جان شنیدید و زیارت خود را به قصد بلاگردانی از همه مومنین و شیعیان عالم بلاخص مملکت ما که پناه همه شیعیان عالم است، انجام دادید یک صلوات بفرستید.

خصوصیت انسان عجول بودن اوست. ما از خاصیت جمع استفاده می‌کنیم تا میزان زمان تحقق امری کم شود. این موضوع نیاز به خالص‌سازی و استمرار دارد.

انشالله برای اینکه سر عبادات را متوجه شویم همیشه به سراغ قرآن برویم و برای اینکه این مراجعه به قرآن پیوستگی داشته باشد صلوات ختم بفرمایید.

قصد اول ارائه مطالب به مخاطب

یکی از کارهای زیبایی که می توان انجام داد و قبل از شروع بحث قصد کنیم هر کسی در هر رده ای که هست و بهتر است همه خود را در مقابل مقام امامت هیچ بدانیم، هر کسی این مباحث را می شنود با خود قرار بگذارد که حقایق را که بر او نازل می شود را بتواند به مخاطبی برساند. مثلا مخاطب کودک، جوان و نوجوان و دوستانی که قرآن خوانده یا نخوانده اند. تصور کنیم این مطالب باید به نحو مطلوبی به دیگران انتقال داده شود. نگوئید ما نمی توانیم و بلد نیستیم. طلب آن را داشته باشید. کافی است انسان یک دست گیرنده و یک دست دهنده داشته باشد. تا انسان دست دهنده نداشته باشد، دست گیرنده اش کار نمی کند. این قاعده هستی است. اول باید دست ها را باز کرد و بعد از دستی گرفت و از دستی داد تا تبدیل به رسانای رحمت شد. سعی کنید مطالبی که گفته می شود را هر چه که هست و در وجودتان متبلو و جاری می شود را به رشته تحریر در بیاورید و نترسید از جاری شدن فیوضات. انسان باید شاهد جاری شدن فیوضات توسط فیضی که دریافت می کند و عطایی که دریافت می کند باید باشد تا بفهمد که خدا چگونه می دهد. به وسیله نوشتن مقید کنید.

واژگان ذکر و قرآن به عنوان معادل صلاه

نماز را نوعا در قرآن با واژه صلاه پیگیری می کنیم در حالیکه که گاهی واژه های دیگری عهده دار مفهوم صلاه می شوند. این موضوع را در ذهن داشته باشید در سوره مزمل منظور از **قرآن** نماز است. قرآنی است که در نماز خوانده می شود. در سوره اسراء قرآن فجر منظور نماز است. یا گاهی بجای صلاه ذکر گفته می شود. **ذکر** معنای اعم است و صلاه معنای اخص است. به هر حال صلاه حتما خصوصیات ذکر را دارد. پس هر جایی در قرآن مطلبی در مورد ذکر گفته می شود می توان در مورد نماز جاری کرد. گاهی نمی شود و منظور وحی است. اعراض کفار از ذکر در واقع همان اعراض از وحی است. در جاهایی که تاثیرات ذکر گفته می شود می تواند صلاه هم در نظر گرفته شود.

این نکات روش شناسی کار است.

صفات همراه با نماز

یکسری مفاهیم پیوسته را در خواندن آیات مربوط به نماز در سوره می بینید که گاهی خداوند جوری صحبت کرده است که اگر کسی نماز واقعی داشته باشد حتما باید دارای آن صفات باشند. در سوره مبارکه لقمان در جایی که بحث اقامه نماز مطرح می شود بحث احسان هم خیلی مرتبط می شود. یا در سوره مبارکه بقره اقامه نماز با تقوا خیلی مرتبط می شود و اینها صفات وابسته می شوند. در طرد کردن نماز حتما عدم تعقل را در خود دارد. این آیات، آیات ویژه ای هستند در کشف حقایق در مورد نماز.

کسانی که می‌خواهند از یک دست بگیرند و از دست دیگری بدهند دانستن این نکات برایشان مهم می‌شود. اینکه یک داستان‌نویس در این خصوص بداند که احسان و اقامه نماز ارتباط مستقیم دارند و...وقتی مؤلفه وابسته ارتقاء پیدا کند دیگری هم بالا می‌رود. ممکن است در کار خود از احسان و عقلانیت صحبت کنید و از مؤلفه‌های وابسته استفاده کنید. کارهای هنری در این شرایط ایجاد می‌شود و کشف این ارتباطات خیلی مهم می‌شوند.

اهمیت اجزاء نماز

در خیلی از آیات به رکنی از نماز اشاره شده است مثلاً سجده کردن، قنوت یا رکوع و...بهرحال این موارد جزئی از نماز است و این موارد را شاخص نماز معرفی می‌کند. نوع نگاه و دوربین خود را از منظر قنوت یک نماز قرار می‌دهم. در بالا بردن کیفیت نمازها این موضوع خیلی نقش دارد. اگر کسی بخواهد نمازش را ارتقاء دهد می‌تواند برای مدتی فقط روی قنوت‌های خودش کار کند. در قنوت می‌توان دعاهای مختلفی خواند. اگر کسی فقط همین کار را بکند و فقط روی یکی از رکن‌ها کار کند، ارتقاء نمازش خیلی زیاد خواهد بود. یکی ممکن است روی رکوع کار می‌کند و دیگری بر روی سجده و البته اینها متناسب با دوره‌های رشد انسان است. ممکن است در اقتضای یک دبیرستانی سجده طولانی نباشد ولی در بحث دعاها بتواند کار کند.

بنابراین وقتی روی نماز کار می‌کنید گاهی لازم است به عضوی از نماز اشاره کرد و اتفاقاً این موضوع خوب است و یکی از دلایل عدم ارتقاء نماز ما عدم توجه به همین نکته بوده است. در قنوت دست ما باز است. در ذکر رکوع و سجده باید احتیاط کرد و حتماً باید ماهیت ذکر داشته باشد.

دعاهای قنوت اهل بیت متفاوت است و هر کدام دعاهای تاسیسی دارند. مثلاً کسی از نماز فقط در مورد قنوت کار کند و آنها را ثبت کند، مطالب بسیار جالبی برای کودکان و نوجوانان قابل نوشتن است.

در مورد تکبیره الاحرام روایات بسیار جالبی وجود دارد. با الله اکبر گفتن مثل احرام یک چیزهایی حرام می‌شود. تکبیر شبیه لیبیک است در حج. دانستن این موارد برای ارتقاء نماز خودمان مهم می‌شود. کسی بنای خودش را بگذارد بر روی این موضوع کار کند.

نیت در نماز، هر زمانی نمی‌شود نیت کرد باید وقت آن نماز شود. باید نیت خاص آن نماز باشد. حتماً باید تا آخر نماز نیت خود را داشته باشید و اگر در وسط نماز فراموش کنی نماز باطل می‌شود. شبیه روح یک چیز است.

در سوره بقره از کسانی می‌گوید که صدقه می‌دهند یا انفاق می‌کنند ولی بعد از آن فرد را اذیت می‌کنند. اگر نیت کار خیر داری باید تا انتها بر آن کار بمانی. اگر کسی وسط کار به سمت اذیت برود کل صدقه دادنش باطل می‌شود. اگر کسی بخواهد اختصاصی روی نیت کار کند، برای هر کدام از بخش‌های نمازش می‌تواند نیت را داشته باشد. سجده اول رکعت اول... رکوع اول رکعت دوم... و این حواس فرد را جمع نماز می‌کند.

احکامی که در مورد نماز است بی‌بدیل است. اضافه کردن رکن یا کم کردن آن عمدا یا سهوا نماز را باطل می‌کند ولی در نماز جماعت اگر فرد از رکوع بلند شود و متوجه شود امام جماعت هنوز در رکوع است می‌گویند اشکالی ندارد و می‌تواند به رکوع رود. در حرکت‌های اجتماعی تبعیت از امام مهم می‌شود.

بنابراین می‌توان نماز را از منظر یکی از مؤلفه‌هایش دید. کم کم با کامل شدن انسان اجزاء نماز فهم می‌شود. نماز از طفولیت تا بلوغ است. خدا به حضرت مریم می‌فرماید با رکوع کنندگان باش و این یعنی خود رکوع بلوغی دارد.

برای هر دوره‌ای متناسب با همان دوره تاکید داشته روی اجزای نماز داشته باشید. انسان به خاطر صفت عجول بودنش می‌خواهد همه کمال را از همان اول دریافت کند ولی حقیقت یک مطلب به تدریج برای انسان نازل می‌شود. ممکن است بعدا ببینیم نمازهای ما در دوره اول گیر افتاده است. اینکه بعد از اتمام نماز فقط می‌دانم که مثلا نماز ظهر را خوانده‌ام و این می‌شود نماز دوره اول. نماز دوره دوم خصوصیتش اضافه شدن سایر رکن‌هاست و فرد می‌گوید با تکبیره الاحرام گفتن در ذهنم می‌آید که یکسری کارها را نباید انجام دهم. کارهای اشتباه روزانه خود را متوجه می‌شوم. در نماز دوره دوم منع را می‌فهمد و متوجه می‌شود یکسری کارها را نباید انجام دهد. در نماز دوره سوم قرائت می‌آید و تازه فرد مفاهیم سوره را می‌فهمد. سوره حمد را می‌فهمد لذا در دوره سوم تغییر سوره‌ها موضوعیت دارد. اینها را به عنوان مثال می‌گویم و می‌خواهم به نماز به صورت مؤلفه‌ای نگاه کنیم. نماز مثل اسم الله است و ذات مستجمع صفات کمالی است. اسم اعظم اینگونه نیست که یا الله یا الله بگویی. اسم اعظم یعنی اسم جامعه همه اسماء وقتی همه اسماء را فهمیدی به اسم جامع می‌رسی. در دوره چهارم رکوع خیلی مهم است. البته مؤلفه قیام از دوره سوم به بعد مهم است. رکوع در قرآن سنبل جماعت در قرآن است و وقتی می‌خواهد بگوید نماز جماعت بخوان می‌گوید با رکوع کنندگان باش. در واقع رکوع را سنبل حرکت‌های اجتماعی تحت ولایت و زعامت امام قرار می‌دهد.

صورت و شکل نماز

نماز صورت و شکلی پیدا می‌کند. اینکه خداوند برای انسان امری حقیقی را دارای صورت و شکل می‌کند خیلی عظمت دارد. همه اینها اسمش ذکر است ولی ذکری که در هنگام طهارت، نیت، تکبیر و... شکل می‌گیرد. همه ذکر هستند ولی در نسبت بعد به خدا متفاوت هستند. به یک حقیقت شکل و صورت می‌دهد. می‌شود وضو... اصل این است که حقیقتی که در حال ریزش است دارای شکل می‌شود. از این طرف شما باید از نماز به عنوان نردبانی برای بالارفتن استفاده کنید. روش صورت‌بندی و شناخت مرتبه‌های ذکر برای قرب را به شما یاد می‌دهد. نماز شاکله ذکر می‌شود. خداوند در انسان ذکر را به شکل یک صورت‌القاء می‌کند و حتی شما می‌توانید بگویید که ذکر مساوی با نماز است. ذکر زمانی است که مطلق اتصال به خدا را مطرح می‌کنید و صلوات زمانی است که برای این اتصال رتبه‌بندی و شکل‌بندی ارائه می‌دهید. و این خیلی عجیب است. اگر بگویند از معجزات شریعت چیست همین نماز است. چرا که توانسته است یک چیز بسیط را هم نازل کند و هم به آن شکل دهد. وقتی انسان این معجزه را درک می‌کند که بخواند امر بسیط را تفصیل دهد. مثلا شما می‌خواهید مفهوم عقل و عقليدن

(بکار بردن عقل) یک مفهوم است، اگر بخواهید آنرا دارای مراتب کنید و به آن صورت دهید. مفهوم ذکر از عقل مجردتر است.

انسان آمده است که ذاکر باشد. انسان غافل مثل بهائم می‌شود. برای اینکه بخواهد ذکر داشته باشد چه کرد؟ یاد خدا یعنی خالق و رازقی که هست و... انسان برای دائمی شدن یاد خدا نیاز دارد که صورت‌های مختلف ذکر برایش نازل شود. یعنی به نسبت مکان و موقعیتی که هستید یاد خدا به شکلی است. مثلاً در میدان نبرد باید یاد این باشید که حسینی باشید. در سر کلاس و درس باید یادتان باشد که برای حکومت دینی کار می‌کنید و مطالب را حواستان باشد کاربردی بگویید. افراد را به اقتصاد مقاومتی نزدیک کنید و کلی‌گویی نکنید همین که یادت باشد که در بیرق حکومت دینی هستی یعنی یاد خدا. هر کدام از اینها سر و شکلی دارد.

بنابراین بزرگترین عنایتی که به نوع انسان شده است این است که ذکر که اتصال به خداست و امری بسیط است را در مراتب مختلف قرار داده است و تبدیل به نماز کرده است و انسان به وسیله نماز دائم الذکر می‌شود و فقط بوسیله نماز دائم‌الذکر می‌شود. انسان در هر شأن و رتبه‌ای که هست باید آن را لحاظ کند. شما باید در وقت اذان ظهر نماز ظهر را بخوانی نمی‌توانی قبل از اذان بخوانی. در صحنه کارزار نمی‌توانی زودتر از فرمانده دست به اسلحه شوی. اینکه ما بدانیم هر کدام از واجبات و مستحبات نماز ذکر را به چه شکلی در می‌آورد خیلی مهم است.

هر کاری که انسان به عنوان کار خوب در زندگی‌اش می‌کند، جلوه‌ای از رکن یا واجبی یا مستحبی از نماز است. پس باید مفهوم واجب و رکن و مستحب نماز را فهمید و از مثل بودن آنها برای کارها استفاده کرد. دانستن این موضوع باعث می‌شود که انسان باید کارهای خوبش ترکیبی از ارکان و واجبات و مستحبات باشد. تنوع و تنوع کارهای خوب در زندگی انسان امری ضروری است همانطور که ارکان و واجبات و مستحبات یک نماز ضروری است.

مثالی از قرآن: در سوره مبارکه بقره بحث تغییر قبله مطرح می‌شود و بحث اینکه برخی از تغییر قبله خوششان نمی‌آید. بحث اینکه قبله یک وضع قراردادی دارد و چون خدا گفته است باید این تغییر رخ دهد. نقش قبله در زندگی انسان نقش جهت است. نقش تبعیت و امام در زندگی است. نقش امام در زندگی انسان نقش صراط است. هر جایی که در قرآن صراط دید در واقع قبله را مطرح می‌کند برای مطلق ذکر.

علم غربی خوب است و علم دینی هم خوب است. وقتی به خود علم نگاه کنید خوب است ولی وقتی به جهت آن نگاه کنید می‌بینید علم غربی خوب نیست چون تخریب و فساد را همین علم غربی ایجاد کرده است. علم به خودی خود خوب است و در جهت که قرار می‌گیرد فساد ایجاد می‌کند. پول و مالکیت به خودی خود خوب است. ولی جهت استفاده آن کجا باشد مهم است.

کل زندگی می شود جهت. دعوی ما با غربی ها سر جهت علم است نه خود علم.

احکام نماز مست کننده است. می گوید لباس مصلی باید از آلودگی ها پاک باشد و بدن هم باید از حدث و خبث پاک باشد. یعنی انسان اگر دائم الوضو نباشد در نجاست حدث قرار دارد. دائم وضو داشته باش اشکالی دارد. اگر کسی دائما وضو داشته باشد طهارت دارد. مصادیق لباس در زندگی چیست؟ یکی از آنها همسر است. اگر کسی نمازخوان باشد محال است که به همسرش ظلم کند. لباس نجس در خواب بر تن داشتن، ظلمی است که به همسر شده است. لباس باید غضبی نباشد. تک تک مؤلفه های نماز درس های مثل گونه اعمال یک زندگی است. نماز کلاس درسی است در پنج نوبت. نماز صورت بندی ذکر است و انسان برای تقرب به خدا نیاز به این صورت بندی دارد. باید بداند کدام عضو از نماز شبیه کدام ذکر است تا بتواند مشابه سازی کند و بتواند از این وجه مثلث خود را ارزیابی کند. در این صورت نماز می شود یک چشمه رحمانی که انسان را در خود شستشو می دهد و از گناهان دور می کند.

تیمم وقتی آب نیست با خاک... خاک را شبیه به آب می کند. نماز در حال جنگ... سوره نساء سوره احکام خاص است. اگر انسان نسبت به نماز کمی تغییر کند، در زندگی اش تغییراتش خیلی زیاد می شود و حس تقربش به خدا زیاد می شود.

با این نکات هر کسی به جزء های خودش باز گردد و نکاتش را کامل کند. واجب در حوزه نماز و نقش آن در زندگی خود و دیگران را مطلع کنیم، چون مطلع نشدن در این حوزه و دور شدن از نماز افتادن در ورطه بهیمیت است و انسان از اعلی اعلین با نداشتن نماز در اسفل السافلین فرو می افتد. این موضوع در یک فرهنگ خیلی اهمیت دارد و ارتباط آن با ذکر و شاکله ذکر بودنش. نباید نماز را مستقل دید بلکه باید آن را همان ذکر دید، اما ذکر ی که آمده است دست انسان را به صورت مرتبه ای بگیرد و بالا ببرد به غیر از نماز نمی توان به یاد خدا بود. انسان در نظام مراتب قرار دارد و برای ذاکر بودن باید ذکرش مراتب داشته باش. چون انسان دارای مراتب است پس ذکرش باید مراتب داشته باشد و آن چیزی که ذکر را مرتبه داده است نماز است. و تا زمانی که نتواند ذکر را با نماز با هم ببیند و به نماز متوسل نشود، امکان ارتقاء و بالارفتن وجود ندارد. بعد که وارد فضاهای نماز می شوید، وضع اولیه نماز نماز جماعت است و نماز فردی به این معنا نداریم. در روایتی از امیرالمومنین آمده است اگر کسی نماز می خواند باید فکر کند که ماموم است یا امام؟ امام و ماموم برای نماز جماعت است ولی حضرت می فرمایند اگر کسی نماز فردی می خواند باید فکر کند امام است. یعنی باید خودش را در عرصه هایی که به او داده شده است جلودار بداند. بعدا مفهوم امت را از نماز می توان بدست آورد.

برای بعضی چیزها نمی گویم غیرت می گویم اهتمام باید داشته باشد، در حوزه نماز و القای آن به دیگران باید همت داشته باشد و رگ گردنش بیرون بزند، باید کاری کرد... شما بخواهید خدا می دهد. باید برای خدا و ذکر خدا هزینه کرد تا خدا بدهد. آدم تا وارد نشود درک نمی کند. اگر این جمعیت همش را بر روی این موضوع قرار دهد تا یکسال آینده دهها بسته نماز را تولید خواهد کرد. خداست و شوخی نیست.

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي كَى نَسَبِكَ كَثِيرًا وَنَذُكْرَكَ كَثِيرًا

و این از معانی نماز است. در ذهن حضرت موسی نماز جلوه تسبیح و ذکر بوده است. خدا از غیرت و مردانگی حضرت موسی را در ما انتقال دهد. خدایا ما را با همه انبیاء محشور کن. انبیاء اولوالعزم در انتقال ذکر هستند.

اوقات بیشتر جنبه محدود کردن دارد. وقت سنبل ظرف و مرتبه است. انسان در دنیا با مکان و زمان مرتبط است. زمان در واقع نماد برنامه‌ریزی، ظرف و ظرفیت است و مکان بیشتر به سمت ظرفیت است. هر دو بیان‌کننده محدودیت هستند. زمان عنصر تدبیر است و به سمت قدر می‌رود. شاکله را با مکان و زمان می‌شناسید. اسمش را مختصات گویند و حداقل دو بعد دارد که یکی مکانی است و دیگری زمانی. هر انسانی که متولد می‌شود در شهری متولد می‌شود و دارای پدر و مادری است و از آن مهمتر یک تاریخ تولد دارد که این تاریخ تولد او را از بقیه ممتاز می‌کند و به انسان مختصات می‌دهد.

ایجاد احساس نیاز به نماز در نسل جدید، انتقال پیام‌ها به افراد به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. القایی که به جوان امروز شده است از سوی اطرافیان این است که نماز خواندن یک امر تشریفاتی است. اگر این فرد ببیند نماز خواندن یک امر تشریفاتی نیست و نماز خواندن من القای تشریفاتی بودن نکند به عنوان یک تلنگر در زندگی او اثر خواهد کرد. واقعا وقتی انسان نماز می‌خواند جنسش تغییر می‌کند. آدم‌ها باید ظاهر شدن دین را باعث خیر دنیا و آخرت ببیند نه برای دنیاطلبی.

عرف روایات در تربیت کودک این است که کافی است پدر و مادر نمازخوان باشند به این معنا که می‌گوییم یعنی فرزندان بهترین حالت پدر و مادر خود را در نماز ببینند.

مرتبه‌بندی ذکر یعنی خود ولایت و نماز مساوی با ولایت می‌شود و ولایت عین نماز است. ولایت عبارت است از مرتبه‌بندی جریان حق در عالم. نماز و ولایت و ذکر، سه مفهوم در یک مصداق هستند.

مفهوم ولایت هر جایی در قرآن مطرح است مفهوم نماز هم مطرح است. ممکن است سوره‌ای مانند انعام داشته باشیم که تعداد آیات مربوط به نمازش کم است ولی کل سوره انعام بحث نماز است چون کل سوره در مورد ولایت است. موضوع ولایت الله و جلوه‌های آن در هستی و شکل‌بندی آن را نشان می‌دهد.

بررسی کارهای انجام شده توسط اعضای گروه

اگر کسی بخواهد ذکر را در لحظات زندگی اش جاری کند، در همه لحظات ذکر یکسان نیست. اگر این دغدغه وجود داشته باشد که انسان بخواهد دائما یاد خدا باشد، این نوع مواجهه در لحظات مختلف متفاوت می شود. موقعیت های مختلف گویی نیاز به توجهات و ذکرهای متنوعی دارد و بواسطه این تنوع در ذکر است که امکان دوام در ذکر ایجاد می شود. جلو تمام نمای ذکر در عالم نماز است. اگر کسی با شکل های متفاوت نماز انس بگیرد و با آنها آشنا شود می تواند ذکرهایی با آن شکل را در خود ایجاد کند و این مسیر خیلی خوبی است برای انسان. تمرکز روی نماز و ایجاد تنوع در ذکر داشتن ایجاد دوام ذکر می کند. این اصل مطلبی بود که دیشب فرمودند و اینکه بهتر است هر کسی اول روی یکی از بخش های نماز متمرکز شود و از آن نمازش را ارتقاء دهد.

سوره مبارکه احزاب؛ ظاهرا واژه صلوات فقط برای همسران پیامبر آمده است، در بین سایر ویژگی هایی ذکر شده است که برای جلوگیری از فتنه به خواص جامعه توصیه شده است برای اینکه فتنه انگیز نشوند. صلوات رابطه ای برقرار می کند بین خدا و مومنین و پیامبر و از این نظر قابل توجه است. صلوات نوعی ستودن است که موجب ایصال می شود. صلوات هم همین کارکرد را دارد.

سوره مبارکه انعام؛ سوره ولایت است و از سوره های نماز است و آیه صلوات و نسک و محیی و ممات در این سوره است. کل زندگی فرد تبدیل می شود به نماز. نسک می شود شیوه حیات و ممات یک انسان چگونه زیست و چگونه مرد و این چگونگی طبق نماز است. شروع نماز با تکبیر است و مثل لیک حج است. شما به خدا رو می کنید و همه چیز را پشت سرتان می گذارید و پایان نماز به سلام به پیامبر همراه است. پایان خود حج با نماز است. حیات و ممات یک انسان نسک اوست. نسک یک انسان را از شیوه حیات و مرگش می توان فهمید و از شیوه نماز خواندنش.

سوره مبارکه طه؛ برای درست شدن نماز یک صبر لازم است و کسی در این خصوص نباید کم حوصله باشد. نماز کم کم قنوت و رکوع و ... پیدا می کند و برای این اتفاق در خود و دیگران باید صبور بود. اگر صبر داشته باشد و بر روی آن کار کند حتما او را ارتقاء خواهد داد.

در سوره بقره برای توصیف اهل بر همه ابعاد زندگی شان را می گوید و از آن به جمله نماز آنها اشاره می کند.

بعضی از موضوعات باید در کل نماز رعایت شوند و هر لحظه زائل شوند نماز به طور طبیعی باطل می شود. بحث نیت که باید در کل نماز باشد و موضوع دیگر در سراسر نماز بحث طهارت است. موضوع دیگر قبله است و جهت. این موضوعات که در طول نماز باید باشند، بسیار جالب هستند. ارکان هم وجود دارد که اگر سهوا مورد بی توجهی قرار گیرد نماز باطل می شود.

نشان می‌دهد این موارد باید در سراسر زندگی انسان وجود داشته باشد. اگر لحظه‌ای انسان در زندگی از نیت و جهت و طهارت خالی شود کارش دیگر ذکر و عبودیت نیست.

ما نوعاً در نماز به این سه توجه نداریم. در حالیکه این سه بسیار مهم هستند. اگر کسی در طول نماز توجه به قبله داشته باشد بعداً به او کمک می‌کند که در طول زندگی به قبله توجه کند. پیامبر گرامی اسلام در نماز قبله را تغییر می‌دهند و مومنین باید آنقدر قبله‌شان پیامبر باشد که با چرخیدن او آنها هم بچرخند. ولایت و وجود نازنین پیامبر، جهت را که فقط خداست برای ما عینیت می‌بخشد. و برای همین برای ما جهت می‌شود پیامبر و از طریق پیامبر جهت را شناسایی می‌کنیم. مثل اینکه جهت شمال را از طریق ستاره قطبی می‌توان پیدا کرد. اگر کسی قبله برایش مهم باشد در هر حالتی قبله برایش مهم می‌شود و کم‌کم جلوه حقیقی آن هم پیدا می‌شود.

هر چه قرآن ترویج شود نماز دوست‌داشتنی‌تر می‌شود.

سوره مبارکه نساء؛ در سوره جنبه‌های زیادی از صلاة وجود دارد. آیه‌ای وجود دارد که می‌فرماید به در حالت سکری به نماز نزدیک نشوید. رابطه طهارت را با نماز نشان می‌دهد. عدم طهارتی که ناشی از کارهای غیرعقلانی است. هر چه انسان عاقل‌تر باشد نماز بهتری خواهد داشت.

به تصریح آیات قرآن پیامبر از قبل از بعثت نماز می‌خواندند و البته شکل نمازشان چنین نبوده است و در سوره‌های مکی به آن اشاره شده است. در توضیح روایات معراج حضرت علامه می‌فرمایند که این شکل از نماز هدیه‌ای بوده است که در اعضای معراج به امت پیامبر عطی شده است. این مدل پیشرفته نماز که با آن می‌توان کل زندگی را تحلیل کرد خیلی نکته مهمی است. نماز در هر صورت اقامه‌ای است و حیثیت اجتماعی دارد. در سوره علق که اولین سوره نازل شده است، موضوع نماز مطرح می‌شود. موضوع نماز از اول ماجرا وجود دارد.

قدرتی در نماز وجود دارد که هر کدام از بخش‌های آن می‌تواند معرف نماز باشد و این خیلی باشکوه است. و از این نظر شبیه به خود قرآن است که هر کدام از سوره‌هایش همه قرآن را دارد. و البته این موضوع دلالت قرآنی هم دارد.

قنوت مستحب است و به لحاظ حکم شرعی نه واجب است و نه رکن است ولی همین قنوت هم می‌تواند معرف نماز باشد. کار بر روی یکی از بخش‌های نماز مثل این است که اگر کسی در یک سوره متخصص شود در واقع حقایق همه قرآن را می‌فهمد. کسی اگر روی یکی از بخش‌های نماز کار کند چون در آن همه جلوه‌های نماز وجود دارد در کل نماز اثر می‌گذارد.

هر سوره‌ای در درون خود آنقدر مطلب دارد که برای همه افراد در همه دوره‌های رشد حرف دارد. در مورد نماز و اجزای آن هم همین است و این موضوع بسیار باشکوهی است.

سوره مبارکه مریم؛ در سوره صاحبان ولایت و نعمت را معرفی می کند و بررسی می کند که چه چیزی باعث می شود عده‌ای از این گروه خارج شوند. می گوید نماز را زائل کردند و از شهوات پیروی کردند. و این آیه از آیات غرض سوره است. آدم‌ها به این دلیل از ولایت الهی دور می شوند. نماز را ضایع می کنند یعنی نمازی می خوانند که طهارت ندارد یا خشیت ندارد یا پیامبر قبله او نیست. یا زندگی اش عقلانی نیست. صلوات ضایع می شود و فرد جزو انعمت علیهم قرار نمی گیرد.

سوره مبارکه آل عمران؛ موضوع ولایت و محراب را دارد. برنامه ریزی داشتن برای خشیت در نماز اینکه مثلا چشم و دست و پا را کنترل می کنم تا خشیت ایجاد شود.

باید یکی از این موارد را در نظر گرفت و دائما در هر نمازی آن را در نظر بگیرد. ما به این نیت کار می کنیم که نمازمان تغییر کند.

این نکات باید متمرکز شوند تا اول نماز خود ما را تغییر دهد و بعد برای انتقال آن به دیگران کاری کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

قصد این بود که در این جلسه نکات دوستان مطرح شود. در فضاهای اردویی که می آیم فرصتی پیدا می کنیم که بتوانیم با حضرت امام صحبتی داشته باشیم و خیلی وقت‌ها موضوعات و سوال‌هایی مطرح می کنیم تا افراد بتوانند خدمت امام برسند و سوال‌هایشان را بپرسند. تا رویکرد به زیارت رویکرد سوال‌های علمی شود و جایگاه امام به عنوان یک جایگاه علمی شناخته شود نه به عنوان جایگاهی برای حاجت رویی که مرسوم است. حتی معنویت عمومی مرسوم را نخواهیم و معنویت تخصصی از ایشان بخواهیم. احیای تقلین مد نظرمان است. موضوع نماز را در قران بررسی می کنیم و این قسمت اول کار بود. پراکندگی موضوعات مربوط به نماز را در سوره‌ها دیدن مهم می شود و رویکردهایمان را تغییر دهیم و اینکه نماز ذکر است و ولایت است یعنی چی و بعد ببینیم نمازی که اهل بیت مدنظرشان بوده است و انس داشته‌اند چه خصوصیتی داشته است.

پرسی نماز از حیث خیر

در حد خیلی خلاصه مباحث را مطرح می کنم و موضوعی را مطرح می کنم تا تکلم شما را با امام محقق کند و آن هم این است که زمانی نماز را به عنوان ذکر می دانیم و ارکان و صورت‌بندی و واجبات نماز در ذکر استفاده می کنیم و زمانی هم نماز را به عنوان **خیر العمل** در نظر می گیریم. نماز به عنوان خیر العمل حساب شده است و نماد کار خیر نماز است. اگر کسی بخواهد تشخیص دهد کار خیر چیست، کاری است که شکل نماز دارد. کار خیر کاری است که در زمان مقرر و مشخص خودش انجام شود نه زودتر نه دیرتر. کار خیر حتما باید نیت داشته باشد و ارکان و باید و نبایدهای آن باید انجام شود. کار خیر کاری است که حتما بر اساس نظام امامت انجام شود. کار خیر باید در فرد ایجاد ارتقاء در فرد بکند. کار خیر باید استمرار داشته باشد تا به نتیجه برسد و حتما باید ترتیب و موالات داشته باشد. کار خیر حتما نهایت دارد. کار خیر کاری است که انسان

را به شهادت برساند به این منظور که کاری باشد که شهادت بر محمد رسول الله را احیا کند. کار خیر کاری است که به نقطه سلام و ایمنی برسد و کاری کند که از آسیب و آفت نجات پیدا کند و تحت تأثیر شرایط قرار نگیرد و همیشه برای انسان بماند. کار خیر کاری است که شبیه نماز باشد. مادری در حوزه تربیت فرزندش کار خیر می کند. کسی درس می خواند کسی کلاس می گذارد و ... نشان می دهد کار خیر یک سیری دارد و حتما باید آن سیر را انجام دهید تا به نهایت و غایتش برسد و منظومه ای از عمل کار خیر را رقم می زند.

کسانی که رشد کار می کنند در دوره دوم ارکان آن را می شناسند و می شود این ارکان را بر اساس نماز تعریف کرد. کار خیر کاری است که در زمان مقرر و مشخصی انجام شود و در آن وقت شناسی حتما وجود داشته باشد و نیت آن خالصانه و بایسته های آن دانسته و تبعیت آن از امام کامل و سیر پیشرفتش دانسته و به سمت غایت پیشرفته و اقامه کننده شهادت و رسیده به سلام باشد. کار خیر را می توان با نماز تعریف کرد.

قرائت و رکوع و سجده و نیت و تشهد و سلام در آن هست و ترتیب و موالات حتما در ذات خیر وجود دارد. هر چه کار انسان به نماز نزدیک تر شود سنخیت آن با نماز بیشتر می شود. انسانی که اهل خیر است اهل صلاة هم می شود و انسان اهل شر ضایع کننده نماز می شود.

یکبار نماز را از منظر ذکر نگاه می کنیم و یکبار هم نماز را ماکت و مدل هر کار خیری قرار می دهید و این منجر می شود در این حالت رفت و برگشتی نماز برای انسان احیاء شود و نماز برای او تبدیل به یک موجود حی در زندگی اش شود. یعنی حضور دارد و ظهور دارد و زندگی می کند با او. و همه زندگی ما در قالب نماز قرار می گیرد و ما پیوسته در حال نماز خواندن می شویم. اگر بتوانیم همه کارهای خیر خود را مدل نماز بکنیم به سرعت امکان این را پیدا می کنیم که در هر لحظه دارای نماز باشیم. خیلی ساده این امکان برای همه فراهم می شود و هر کسی به نسبت درک و فهمش می تواند دائم در نماز باشد. یعنی به نماز نگاه کند و شبیه آن کارهای خیرش را انجام دهد. اگر چنین باشد در انجام کارهای خیرمان اهل فوت و از دست دادن کار خیر نمی شویم.

فعال سازی اذان در خانواده ها

در گذشته ها نشانه مومن بودن خانواده ها گفتن اذان و اقامه بوده است. در این شهرها حیات جاری است و قلب ها با هم مهربان هستند. یکی از کارهایی که شارع مقدس انجام داد الحاق اذان به نماز بوده است. اذان به نماز الحاق شد یعنی وقت نماز را اعلام کنید که خداوند **اذن ملاقات** داده است. قدیم اعتقاد بر این بود که گفتن اذان در خانه ها سحر و جن را از خانه ها خارج می کند. امروزه دلیل خیلی از نگرانی ها و استرس ها خارج شدن اذان از خانه هاست.

سوغاتی این سری مشهد برای همه این باشد که وقت اذان هر جایی که هستند کمی با صدای بلندتر بگویند به ویژه پدران خانه. در روایات است که فقر و نداری و چشم زخم از خانه خارج می‌شود. هر جایی این کار شده است زندگی‌ها متفاوت شده است. اینکه خدا اجازه داده است و این گفتن حالت اللهم لیک دارد.

این موضوع در مورد بچه‌ها خیلی اثر دارد.

در کتاب توحید شیخ صدوق آمده است که بند بند اذان معارفی است که انسان باید به آن توجه داشته باشد. انسان وقتی متولد می‌شود در گوشش اذان گفته می‌شود و در موقع مرگ هم القائاتی به او می‌شود و او را در پیوستاری از معارف قرار می‌دهند. گویی محصولی از یک زندگی و عصاره زندگی مفاهیمی است که در اذان گنجانده شده است. ترکیب اذان به گونه ای قرار داده شده است که همه معارفی که انسان باید در طول زندگی با آن دست و پنجه نرم کند در این اذان وجود دارد.

توجه به مضامین خیلی مهم است و القای خیلی خوبی به ما می‌دهد. ترتیب و چینش عبارات‌ها مهم می‌شود. حی با حیات در ارتباط است. حیات مبتنی بر صلاح و فلاح و خیر عمل است. همین دقت کافی است و آنقدر این مفاهیم جامع است که با انس گرفتن مفاهیم منتقل می‌شود. در روایات روایات جالبی در این خصوص آمده است. باید تحولات روحی ما در ظاهر هم نشان داده شود. تغییر اینسری ما در مشهد فعال‌سازی اذان در خانواده‌ها باشد.

هر سوره یا هر جزیی از قران در مورد نماز پیامی دارد که انشالله بتوانیم این فریضه را در زندگی‌هایمان جاری کنیم.

هر کدام از اعضای نماز بخواهد واقعا اتفاق بیفتد بقیه اعضاء را خواهد داشت. برای رسیدن به هر کدام زمان لازم است. تک بعدی شدن یعنی فرد فقط اهل کتاب خواندن است ولی اهل عمل نیست. در اجتماع خوب ظاهر نمی‌شود و اینها خوب نیست.

در بعضی از حالات خشوع اشک هست و در برخی نیست. اهل خشوع بودن یعنی در اوج درد نماز می‌خواند و به این ملاقات خرسند است. این موارد به صفات شخصیتی باز می‌گردد.

بارها در زیارت‌ها گفته شده است که ما باید با **امام** ارتباط بگیریم و گوش خود را برای اینکه بنیم امام چه مطالبی را به ما منتقل می‌کنند تیز کنیم. بهترین افراد برای اینکه بتوانند **شنوا** باشند و گوششان کار کند، کسانی هستند که **پرنیاز و پرسوال** هستند. هر چقدر انسان پرسوال‌تر و پرنیازتر باشد احتمال ارتباط‌گیری او بیشتر است. لذا هیچ اشکالی ندارد که در فضای اردو مرتب با سوالات جدید مواجهه شوید یا نیازهای جدید در شما ایجاد شود و جواب داده نشود. از ذهن پرسوال وقتی در نزد امام هستید نترسید. این را یک **حسن** بدانیم و در مورد مسائل مختلف سوال‌های خود را عرضه کنید و دفتری داشته باشید و پاسخ‌های دریافتی را یادداشت کنید و به عنوان **سوغاتی** ببرید.

بنابراین اجازه بدهید سؤال‌ها برای شما مطرح شود و بعد آنها را مطرح کنید و اجازه دهید باب گفتگو باز شود و سوما وقتی جواب گرفتید حتی جواب اگر ناقص بود آنرا یادداشت کنید و به عنوان یک **سوغاتی** نزد خود نگه دارید و به مرور در سفرهای زیارتی که می‌آید انباشتی از پاسخ‌ها خواهید داشت که می‌تواند **ذخیره** دنیا و آخرت شما باشد.

استخراج مطالب از قرآن در مورد نماز

در این جلسات بیشتر از آنکه مطلب ارائه دهیم روش‌های مراجعه را ارائه می‌دهیم و دلیلش هم این است که هر کدام از این بحث‌ها ممکن است ده‌ها جلسه سخنرانی نیاز داشته باشد و هدف سخنرانی نیست و می‌خواهیم که هر کسی به اندازه وسع خودش وارد قرآن شود و مطالب را استخراج کند.

نکته اول: تمایز قائل شدن بین احکام نماز و خود نماز

نماز در عین حال که یک واجب خیلی خاصی است و از مهمترین ارکان دین‌داری است ولی وقتی به اقامه خود نماز می‌رسیم یک مرتبه از بعضی گروه‌ها سلب می‌شود و کارهای عجیبی با آن شده است. خانم‌ها در موقعیت‌هایی نمی‌توانند نماز بخوانند و خواندنش هم اشکال دارد. یا آیاتی که در مورد قصر نماز در سفر آمده است. حتی گاهی وقتی از خوف دشمن است می‌گویند از نماز همان یک تکبیر را باید گفت. سوره مبارکه نساء برخی از احکام بالاخص احکام نماز در جنگ را گفته است و چگونه است که نماز بلحاظ ظاهر طیف پیدا می‌کند. مادری که می‌خواهد به فرزندش رسیدگی کند می‌تواند نماز اول وقتش را به بعد بیندازد. این توسعی که در وقت است ظاهر نماز و باطن نماز را تمایز داده است. بنابراین یک روح نماز در زندگی وجود دارد و یک ظاهر نماز. اجرای نماز در حوزه شریعیات قرار می‌گیرد ولی اصل نماز و نماز‌گذاری یک بحث اعتقادی است. همه آنچه گفته شد در حوزه اصل و محتوای اصلی نماز است و نباید این را با بحث شرعی قاطی کرد.

برخی از متدینین نماز خواندنشان به زندگی شان آسیب زده است. این ربطی به نماز دارد و به اجرای نماز باز می‌گردد. در حوزه اجرای احکام نماز دقت لازم اگر نباشد آسیب ایجاد می‌شود. اگر نماز شب خواندن پدری در خانه منجر به بدخواهی

بچه‌هایش شود نمی‌تواند به این شکل نماز شب بخواند. اگر نماز واجب اول وقت به کسی آسیب برساند باید بگذارد در وقتی که آسیبی ندارد بخواند. اغلب مشکلات ما سر همین دوگانگی‌هایی است که در دین ایجاد می‌شود و قابل جمع کردن نیست. بچه‌ای از مدرسه می‌آید و مادر مشغول نماز است و غذای او آمده نیست و این در ذهن فرزند شکل می‌گیرد که نماز خواندن یعنی عدم توجه به آماده کردن غذا و کم کم او از نماز خوشش نمی‌آید. شما به عنوان ولی حقی که بر گردن داری غذا دادن به اوست و مگر می‌شود حق او را نداد و بعد بخواهی حرفت اثر تربیتی داشته باشد.

کسانی که می‌خواهند کار پژوهشی کنند به این نکات می‌توانند به صورت خیلی ظریفی بپردازند. این موضوعات را از آیات قرآن می‌توان بدست آورد نه کتاب‌های عرفانی. در سوره مریم می‌خوانید که خلاصه زندگی حضرت عیسی و مریم می‌شود وصیت نماز و در سوره نساء می‌بیند که وقتی در حالت جنگ هستی آرایش جنگی بگیری و نمازهایتان را کوتاه بخوانید. در جهاد سجده طولانی و رکوع طولانی اصلاً معنا ندارد. خدا زندگی انسان را یک منظومه می‌داند. اگر این جهاد را انجام ندهید خدا از شما می‌پرسد که چرا برای نجات مستضعفین عالم کاری نمی‌کنید تا دیگران از استضعاف خارج شوند. یک مرتبه می‌بینید که این نماز برای برخی استثناء شده است.

معاف شدن زن در یک بازه و دوره به معنای این است که زن در طبعش ذاکر است و این موضوع در برخی از آیات به آن اشاره شده است.

بنابراین بین احکام نماز و خود نماز باید تمایز قائل شوید که اگر تمایز قائل نشوید هم در زندگی خود به مشکل می‌خورید و هم برای دیگران ایجاد مشکل می‌کنید.

نکته دوم: شباهت نماز و ایمان

گفته شد نماز دارای اجزاء و ابعاد و مؤلفه‌های مختلف است. جالب است بدانید در مفاهیمی مانند شکر، ایمان، تفکر و... مفاهیم ساختار وجودی که وجود دارد، نماز شبیه‌ترین چیز به کلمه ایمان است. آنچه در ساختار وجودی وساطت می‌کند ایمان است، آنچه تفکر را به سمت عمل می‌کشاند ایمان است، ایمان واسطه بین ادراک و عمل است. همین اتفاق برای نماز می‌افتد. نماز واسطه بین حقایق محض و جاری کردن حقایق در عین است. یک وساطتی دارد. آنهایی که واسطه می‌شوند دارای درجات و مراتب هستند و انواع می‌گیرند. بیشترین تنوع را واسطه‌ها به خود می‌گیرند. زمانی که در حوزه تفکر کار می‌کنید، تفکر یک معنای انتقال به یک حقیقت می‌دهد. خیلی مراتب در آن معنا ندارد چون به مراتب نفس بستگی دارد، نفس در هر مرتبه‌ای باشد تفکر آنرا به سمت بالا می‌کشاند. به همین دلیل هر سنی تفکر خاص خودش را دارد و عقل و علم هم به همین صورت است و کم و زیاد و شدت و ضعف دارد. وقتی به ایمان می‌رسیم و ایمان را پذیرش علم می‌دانیم، نوع پذیرش‌ها متفاوت می‌شود. مثلاً پذیرش دائمی یا موقت یا پذیرشی که فرد را به اراده می‌کشاند یا پذیرشی که هنوز فرد را به اراده نمی‌کشاند. خیلی تنوع پیدا می‌کند. به همین دلیل درجات مومنین در قیامت وابسته به ایمان آنهاست. بیشترین تنوع روی ایمان است و در

روایات هم آمده است. بین نماز و ایمان هم شباهت‌های زیادی وجود دارد و قصد هم این است که بتوانید بین دو را مشابه ببینید.

شما در **مفاتیح الجنان** در ابتدا تعدادی سوره می‌بینید که در ابتدای آن قرار گرفته این سوره‌ها در واقع مورد نیاز برخی از نمازها بوده است. بعد به تعقیبات مشترک می‌رسید و هر کدام از دیگری متفاوت و متنوع است. تعقیباتی که از ناحیه اهل بیت در سال‌های مختلف گفته شده است را جمع کرده است. دعاهای روز هم معمولاً در تعقیب دعاهای روز خوانده می‌شود. بعد به نمازها می‌رسیم. بعد به سراغ زیارت‌ها می‌رود که این زیارت‌ها هم اکثراً در تعقیب نماز صبح خوانده می‌شود. بعد در مورد ماه‌ها گفته می‌شود و هر کدام از ماه‌ها دارای نمازهای مخصوص به خود هستند. نماز یک امر دارای ابعاد و وجوه مختلف است. از این حرف می‌توان اینگونه استفاده کرد که با چیزی که دارای ابعاد مختلف است چگونه می‌توان رفتار کرد:

۱. رها شود و همان در حد واجبش انجام شود.
۲. همه انجام شود چون ممکن است چیزی از کمال فوت شود.
۳. برنامه‌ریزی کن و متناسب با اقتضانات وجود خود از این دشت بیکران رحمت به اندازه توانت خرمن بچین.

با یک نظمی انتخاب کن و بر آن به مدت شش ماه تا یکسال مداومت کن. ایمان مستحب به معنای این نیست که رهایش کنی. حد واجب نماز حدی است که هر کسی به سن تکلیف می‌رسد باید انجام دهد. حد مستحب می‌شود اینکه هر کسی متناسب با سن و شاکله و اقتضای خودش از مستحبات هم انتخاب کند و برای آن برنامه‌ریزی کند. اگر برخی از مستحبات رعایت نشود برخی از توان‌ها در فرد ایجاد نخواهد شد. گویی خداوند بستر عبودیت را در فرایض قرار می‌دهد و ارتقاء آن را مستحبات و نوافل قرار می‌دهد. اگر کسی وارد فضای مستحبات نشود از ارتقاء هم خبری نیست.

منظور این است که برای نماز برنامه‌ریزی کن هم برای ذکرهای قبل و بعد نماز برنامه‌ریزی کن هم برای نمازهای مستحبی. چه اشکالی دارد اگر کسی بگوید امسال خود را می‌گذارم برای نماز حضرت رسول و هر یک ماه یکبار می‌خوانم. اگر همه را پشت سر بخوانی که ارتقاء نمی‌آورد.

احکام مستحب توسعه دارد. مثلاً بجای ۵۰ بار خواندن سوره توحید در نماز امیرالمومنین فرد می‌گوید ۵۰ تا در وسع من نیست و آنرا کمتر می‌خواند. نماز شب نخوانده‌ای فردا در حین راه رفتن بخوان. یکسال نماز شب خواندن مهم است.

بنابراین نکته دوم این شد که همانطور که ایمان در ساختار وجودی انسان متنوع است، به دلیل مراتب و نوع وساطتی که دارد نماز هم در فرائض همین کار را انجام می‌دهد، شما حج‌تان با نماز تمام می‌شود. یا سایر فرائض به آن ختم می‌شود. نماز عید فطر و نماز جمعه و...

بیشترین مستحبات در بخش نماز آمده است و باید برای آن برنامه ریزی کرد و نباید به واجبات اکتفا کرد. نمی شود بی برنامه به سراغ مستحبات رفت.

در بعضی روایات آمده هر شب جمعه دعای را بخوانید و مربوط به نماز حضرت صدیقه است که نمازی است چهار رکعتی که رکعت اول توحید، رکعت دوم عادیات، رکعت سوم زلزال و رکعت چهارم نصر هر کدام ۵۰ مرتبه این سوره ها سوره های جنگ است و برای کسانی است که می خواهند مترقی شوند.

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ أُخْرَى رَوَى عَنْ صَفْوَانَ قَالَ دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلْبِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ لَهُ تَعَلَّمْنِي أَفْضَلَ مَا أَصْنَعُ فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ - مَا أَعْلَمُ أَنْ أَحَدًا كَانَ أَكْبَرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ فَاطِمَةَ، وَلَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاعْتَسَلَ وَصَفَّقَ قَدَمَيْهِ، وَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مَثْنَى مَثْنَى، يقرأ فِي أَوَّلِ رَكَعَةِ الْحَمْدِ وَالْإِخْلَاصِ خَمْسِينَ مَرَّةً، وَفِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَالْعَادِيَاتِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَفِي الثَّلَاثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَإِذَا زَلَزَلَتِ الْأَرْضُ خَمْسِينَ مَرَّةً، وَفِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ، خَمْسِينَ مَرَّةً، وَهَذِهِ سُورَةُ النَّصْرِ وَهِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا دَعَا، فَقَالَ:

إِلَهِي وَسَيِّدِي - مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ - رَجَاءَ رَفْدِهِ وَفَوَائِدِهِ وَنَائِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَجَوَائِزِهِ - فَأَلَيْكَ يَا إِلَهِي كَأَنْتَ تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّئْتِي - وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي - رَجَاءَ رَفْدِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَنَائِلِكَ وَجَوَائِزِكَ - فَلَا تَخِيْبِي [مَنْ ذَلِكَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَسْأَلَةَ سَائِلٍ - وَلَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ - لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَمْتَهُ وَلَا بِشَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتَهُ - أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ - عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ - فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ - أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ - وَأَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنِّعْمَاءِ وَآنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاةِ - أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ - فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ - يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ.

انواع فیوضات را بوسیله این واژه ها ذکر می کنند و برای اینکه این دعاها در صحیفه جانش شکل بگیرد حداقل یکسال باید مداومت داشته باشد. شکل دعا دارد ولی بیشتر شبیه یک متن علمی است. فکر کنید که عاید این دعا فقط همین جمله است: فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ این می شود آن فکری که روی اعتقادات انسان چتر می اندازد.

بنابراین لازم است هر کدام از ما متناسب با اقتضائاتی که داریم و بدون مراجعه به کسی نمازهایی را انتخاب کنیم و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. شرط برنامه‌ریزی تداوم است و حداقل تداوم هم یکسال است تا این موضوع تثبیت شود. فکر کنید کسی از ۱۸ سالگی شروع کند و هر سال را به امامی اختصاص دهد در سی سالگی یک دور این نمازها را خوانده است و چقدر این فرد می‌تواند نورانی شود. این نورانیت قابل تصور نیست. چون با عملی که امیرالمومنین انجام می‌داده است یکسال انس داشته است. و همینطور که می‌ایستاده به نماز می‌گفته است این نماز مرا شبیه به امیرالمومنین می‌کند و دعایش مرا به خواسته‌های ایشان نزدیک می‌کند. مثل غذا اینها را نباید با هم خورد. باید جوری خورد که به جان انسان بنشیند. نوعاً ما در حوزه مستحبات نماز هر بار یک کاری کرده‌ایم یا کلا کنار گذاشته‌ایم و گفته‌ایم مستحبات که برای ما نیست. و این شده است که نسبت به این موارد بیگانه هستیم در صورتیکه واقعا دایره المعارفی است دعا‌های مرتبط با نمازها.

تکته سوم: نگاه به نماز به صورت منظومه

به هر حال نماز در شکل کلی خودش به سه بخش تفکیک می‌شود. قبل، حین و بعد از نماز. هر نمازی یک قبل دارد یک حین دارد و یک بعد دارد. صرفه‌نظر از اینکه واجبات و ارکانش چیست، اگر بگوییم هر نمازی این سه بخش را دارد پس هر نمازی با نماز بعدی زنجیر می‌شود. چون قبل نماز، در واقع بعد از نماز قبلی است. این جالب است در مورد آیاتی که در مورد وقت نماز است مثل آیه ۱۱۴ سوره مبارکه هود:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ.

آیه جالبی است. دو طرف نهار و نزدیک به لیل. طرف نهار نمازهای صبح و ظهر و عصر را شامل می‌شود و زلف لیل به مغرب و عشاء. نماز ما را در حصنی قرار می‌دهد و ما را محصور می‌کند. هر نمازی وضعیتش به لحاظ رتبه و مقام و حضور قلب به نماز قبلی خود وابسته می‌شود. و هر نمازی که خودش درست انجام شود روی نماز بعدی اثر دارد. بنابراین در حوزه نماز بایستی نماز را به صورت منظومه‌ای دید. این در مکتب اهل بیت مهم است و شاید دلیل تغییر رکعات همین است تا ذهن از یکنواختی بین نمازها فاصله بگیرد.

یک نماز دارید با تعداد رکعات متفاوت و کل آنرا باید در محاسبات آورد. به این ترتیب همه روز انسان متأثر از نمازها می‌شود. به واسطه قبل و بعد نمازها و این منجر به نزول رحمت برای آن روز می‌شود. در این صورت است که انسان به فلاح می‌رسد. فلاح یعنی شکوفایی استعدادهای متنوع و متعدد انسان که در اثر گذر زمان شکوفا می‌شود. فلاح در انسان حتماً وابسته به زمان است بلاشک. فلاح با فوز نزدیک به هم هستند. فلاح زمانی است که دانه‌ای را

زیر خاک کرده‌ای و آب می‌دهی و زمان می‌گذرد و توان خروج از خاک را پیدا می‌کند که به آن جستن گویند. جستن از خاک و رستن از گل و لای است. به این فلاح گویند. در واقع یافتن و پیدا کردن خود است و فوز می‌شود پیروزی، بدست آوردن و فلاح یعنی رستن و نماز با فلاح مرتبط است. سوره مؤمنون ایجاد ارتباط می‌کند. فلاح فقط در صورت نگاه منظومه‌ای به نماز محقق می‌شود. نماز به خودی خود یک مفهومی دارد و وقتی می‌شود صبح و ظهر و ... یک معنای دیگری دارد. به عبارتی مفهوم مطلق نماز با مفهوم نماز صبح، ظهر عصر، مغرب و عشاء متمایز است. یعنی وقتی نماز صبح می‌خوانید باید نماز خوانده شود و برای نماز عصر باید عصر خوانده شود. یعنی باید خصوصیت زمان را در نماز لحاظ کرد. در احکام نمازها این موارد رعایت شده است. مثلاً می‌گویند نماز جهریه و نماز اخفائیه. با دلالت‌هایی اینها از هم جدا شده‌اند. اینکه نماز صبح را صبح دانست و ظهر را ظهر ... این همان سر وقت‌شناسی و برنامه‌داری یک انسان است. برنامه‌ها در بستر زمان اتفاق می‌افتد و خداوند برای هر زمانی خاصیتی قرار داده است. صبح و شب و ظهر و عصر هر کدام خاصیتی دارند. در نظام برنامه‌ریزی کارهایی که مربوط به صبح است صبح و کارهایی که ظهرانه است ظهرانه و ... باشد. برنامه‌ریزی از جایی بهم می‌خورد که این موارد قاطی شوند. مثل بچه‌ای که شب و روز را قاطی می‌کنند. فردی که روز را برای خواندن و ثبیت می‌گذارد و شب کار اجرایی و اینها خلاف فلاح و رستن است. برخی از مدارس هستند که بر روی زمان حساس هستند. این مدارس خروجی‌های متفاوتی دارند فقط به خاطر شناخت زمان. خیلی از بیماری‌ها که به انسان تحمیل می‌شود بخاطر این است که خواب در زمان خودش اتفاق نمی‌افتد. یک خواب بدون استرس و مؤثر باید از ساعت نه شب تا سه صبح باشد. اغلب بیماری‌هایی که به انسان تحمیل می‌شود به دلیل این است که زمان در سیستم این افراد وجود ندارد.

نماز باید به صورت مجموعه و منظومه در نظر گرفته شود، این موضوع را به فلاح نسبت می‌دهم. تا اینجا ذکر بودن نماز و خیر بودن و فلاح بودن آن گفته شد. هر کدام از این موارد به چیزی دلالت داده شد و این موارد باید متمایز باشد. فلاح بودن نماز به منظومه بودن و وقت‌داری نمازها دلالت کرد.

بنابراین عنوان نکته اول اینکه اجرای نماز با نماز متفاوت است. نکته دوم این است ایمان و نماز با هم مرتبط است و در بحث مستحبات گفته شد هر کسی باید به اقتضای خودش یکی را انتخاب کند. و نکته سوم بحث منظومه‌ای دیدن است.

از اتفاقاتی که برای نماز افتاده است این است که خداوند نماز را به گونه‌ای قرار داده است که می‌توانید قرآن را در آن قرائت کنید البته به جز سوره‌هایی که در آنها سجده واجب وجود دارد. اهل تسنن البته این سوره‌ها را هم می‌خوانند.

نماز ظرفیت قرار دادن قرآن در قاب را دارد. در این قاب اتفاق عجیبی رخ می‌دهد و آن هم اینکه نماز همه آیات قرآنی که در آن می‌آید را تبدیل به دعا می‌کند. هر سوره‌ای که می‌خوانید ظاهرش خواندن سوره است ولی در باطنش این است که خدایا این کلام توست این سوره را در زندگی من جاری کن. کار نماز این است که آنچه را که از جانب خدا آمده است را **تبدیل به دعا** می‌کند. ما هیچوقت وقتی که قرائت می‌خوانیم حس دعایی نداریم. ظهور این موضوع در نمازهای مستحبی مطرح می‌شود. در نمازهای مستحبی این حالت دعا بودنش را بیشتر نشان می‌دهد. اگر نماز حضرت صدیقه طاهره را خواندی معنایش این است که خداوندا تو می‌دانی بیشترین چیزی که از این دنیای وانفسا به کار من می‌آید توحید و سوره قدر است. چون با تکرار سوره توحید، آنرا از تو **طلب** می‌کنم.

انسان در نظام رشدش در برخی از سنینش بعضی از عیب‌هایش خیلی به چشم می‌آید. بعد وقتی رشد می‌کند تبدیل به حسن‌های زیادی می‌شود. انسان اگر در مسیر تکامل خودش قرار گیرد، هر دوره‌ای یکسری چیزها برایش جذابیت پیدا می‌کند. انسان نوع نگاهش به خودش و هستی متناسب با رتبه‌هایش متفاوت است. این داستان را در یک جوان و پیر می‌توان دید. همه اتفاقات در زندگی انسان به خاطر دور و نزدیک دیدن مسائل است. هیچکسی نباید خودش را خالی از عیب ببیند.

در حوزه نماز چیزی حدود دوازده عنوان مطرح کرده‌ایم و هنوز از حقایق هر عنوان صحبتی نکرده‌ایم. مطالب به صورت روشی مطرح شد تا اگر کسی بخواهد بتواند خودش این مسائل را پیگیری کند.

برنامه برای اصلاح بخش‌های مختلف نماز خیلی تابع شاکله افراد است. هر جای دایره را بگیرد به بقیه هم می‌رسد. از هر جا که نزدیک‌تر هستید می‌توانید شروع کنید.

شاخص تمرکز یافتن را امام صادق می‌فرمایند که کم مداوم بهتر از زیاد بدون تداوم است و حداقل برای تداوم یک سال است اگر کسی نتواند یک سال مداومت کند می‌تواند کمش کند ولی روی همان کم هم نظم داشته باشد. مثلاً یک هفته یک هفته را تا یکسال بکشاند. نظم عنصر بسیار مهمی است. باید در بی‌نظمی هم یک نحو از نظم را پیدا کرد.

برای به تکامل رسیدن باید کاری کرد که با خدا خوش بود اساساً اصل در نوافل اقبال در آن است. باید کاری کرد که اقبال داشت و در عین حال باید نظم داشت.

در دوره اول رشد مهم این است که وقتی بچه نماز می‌خواند اطلاق نماز خواندن به آن شود، نه وضو لازم دارد نه قبله می‌خواهد و نه هیچ چیزی فقط کافی است که احساس نماز خواندن داشته باشد.

در ۷ تا ۹ سالگی یا ۱۱ سالگی که هنوز بچه مکلف نشده است ولی در روایات گفته شده است که بچه باید الزام شود به نماز خواندن (البته این نماز کامل نیست)، بایستی برخی از ارکان را درک کند. همین درک برخی از اجزاء برای او کافی است و به موقع آنرا کامل می‌کند. نماز صبحش اگر آفتاب هم درآمده بود بگو که بخواند برای او نماز است.

از نه سالگی به بعد نمازها نامنظم است و باید کمک شوند که نمازهایشان را بخوانند و اگر قضا شد کمکشان کرد که در دفتری برایشان یادداشت کرد که بعدا بخوانند. خیلی از قضا شدن نماز بچه‌ها ناراحت نشوید. جای نگرانی ندارد. بعدا می‌خوانند. کاهل الصلوه برای بچه نه تا پانزده سال اطلاق نمی‌شود. چرا که از نظر جسمی به بلوغ رسیده است ولی از نظر عقلی هنوز به بلوغ نرسیده است. حس کافر بودن و بی‌نمازی را نباید به هیچ عنوان به بچه داد.

انگیزه‌دهی برای خواندن نماز به رده سنی نه تا چهارده سال می‌رسد و کمترین کتاب‌ها برای این دوره نوشته شده است.

این مقطع جای خالی زیادی دارد و هر کسی قدرتش را دارد باید کاری کند که رغبت بچه را بالا ببرد. خواستن توانسن است بسم الله بگویند و شروع کنید. اگر شروع کردید تا ده سال کار کنید تا بتوانید قلمی بدست بیاورید که نوجوان بخواند.

کتاب نماز شاکله ذکر کتاب خوبی است.

هر مستحبی شما را به مستحب بالاتر دلالت می‌دهد و در انتخاب شما هویدا می‌شود. بهتر است مستحب بعدی که می‌آید قبلی حذف نشود. ولی اگر فرصت ندارد که حذفش اشکالی ندارد.

شهرنشینی یعنی بی‌نظمی و بی‌امنیتی و بی‌ثباتی و ندیدن آسمان و رویش و... در شهر زندگی نیست. اساسا در شهرنشینی نظم محقق نمی‌شود و باید با آن ساخت. باید کاری کرد که مردم به روستاها تمایل پیدا کنند. فعال‌سازی کارهای اقتصادی در روستا و گرایش مردم به سمت روستاها از وظایف ماست.

مباحثی در خصوص نماز مطرح شد. این مباحث جنبه موضوع بندی و عنوان بندی نماز را داشت برای کسانی که بخواهند این کار را با نهایت دقت انجام دهند.

بحث این است که یکی از مهمترین کارهای ما که باید در حوزه نماز انجام داد برای خود و دیگران، بدست آوردن مختصات نماز در زندگی است. وقتی می گوئیم مختصات نماز یعنی ارتباط نماز با سایر ابعاد زندگی و فهم این ارتباطات. دانستن این ارتباطات منجر می شود که بتوان از مؤلفه ای به مؤلفه دیگر انتقال پیدا کرد. مثلاً وقتی متوجه ارتباط احسان با اقامه نماز می شویم، اگر در دوره سوم رشد حسن گزینی فعال شود بطور طبیعی اقامه نماز هم فعال شده است.

خشوع، ایمان، احسان و ارتباط این موارد با نماز که ذکر شد. هر چقدر بیشتر مختصات یک موضوع را در قران بدانیم، ابعاد بیشتری از آن را می توانیم بفهمیم و از زاویه آن ابعاد به آن مسئله بپردازیم و مشکلات و نواقص را برطرف کنیم.

حمد و نماز

در ادامه بحث مختصات یابی حمد با نماز خیلی مرتبط می شود. در تعریف حمد گفته می شود که ستایش کردن کسی است که کار زیبایی را بر اساس اختیارش انجام داده است. وقتی کسی را به دلیل خلق زیبایی ستایش می کنید می شود حمد. صلوات لغت اینگونه معنا می شود که یک عبادت مخصوصی است که این عبادت زیاست. یا ستودن یا ستایش زیبایی دارد. این صلوات با حمد خیلی از نظر معنا بهم نزدیک می شوند در هر دو زیبایی وجود دارد و ستودن هم در آن هست. در واقع کسی که صلوات می کند حقیقتی را به زیبایی ستایش می کند. هر جایی که حمد آمده است واژه صلوات یا صلاة... در قران می گوید همه موجودات که تسبیح می کنند صلاة هم دارند، مثل این می ماند که بگویند همه موجودات خدا را از هر عیب و نقصی بری می دانند و همه موجودات خدا را به خاطر صفات کمالش پرستش می کنند و صلوات بجای واژه حمد می نشیند و آنرا در بر می گیرد. به نوعی اگر حس زیباشناسی، کمال گرایی و حس پرستش کمال مطلق در انسانی فعال شود نماز در او فعال شده است. هر چقدر که فرد حامدتر شود مصلی تر می شود.

سوره های پنجگانه حامدات که شامل حمد، انعام، کهف، فاطر و سباء می باشند، امکان استخراج زیبایی را فراهم می کند و اگر کسی اینکار را انجام دهد و افراد را به آن سوق دهد قدرت ستایش و پرستیدن را در او تقویت کرده است. و هر کدام از این پنج سوره از یک منظر این موضوع را رقم می زند.

ستایش زیبایی و پرستش زیبایی، اولی حمد و دومی صلوات است. حتی در فارسی هم واژه ها مرتبط هستند. وقتی پرستش می کنید کسی را می پرستید که واجد زیبایی و کمال است. حتماً باید حمد داشته باشید تا بتوانید پرستیدش. به همین دلیل در روایت است که لاصلوه الا بفاتح الكتاب یعنی نماز نماز نمی شود الا به فاتحه الكتاب. راجب به نماز چنین روایتی آمده است این

جالب است. با اینکه فاتحه‌الکتاب جزو ارکان نیست و از واجبات نماز است به دلیل نقطه مفهومی این دو است. هر پرستش باید بر اساس صفات کمال باید رخ دهد. در صفات کمال این دو مشترک هستند و در واقع وقتی ستایش در ساحت مخلوق قرار می‌گیرد تبدیل به صلوة می‌شود. وقتی مطلق شود می‌شود ستایش و الحمدلله که ملائکه می‌توانند حامد باشند و خود خدا هم می‌تواند حمد بکند. اما صلوه مربوط به مخلوق است چون حالت پرستش و کرنش دارد.

سوره حمد به همین موضوع از بعد عبودیت و استعانت می‌پردازد. الحمدلله آن به این معناست که ستایش خدایی را است که ساحت بندگی و استعانت را به روی موجودات و انسان باز کرده است و انسان می‌تواند خدا را خالصانه پرستش کند.

سوره مبارکه انعام بحث ان الصلوه نسکی و... است و بسیار مهم می‌شود. صلوه و نسک و محیی و ممت برای خداست. ستایش از جهت قرار گرفتن یک زندگی در جهت عبودیت خالصانه برای خدا است که در آن خلوص خیلی مهم می‌شود.

و بقیه سوره‌ها هر کدام وجهی را مطرح می‌کند. بنابراین صلوه با واژه بالادستی خود که حمد است ارتباط دارد. نوع ارتباط هم که مشخص است. اگر کسی بخواهد از این منظر صلوه را کار کند هر کاری که بتواند به افراد حس زیباشناسانه بدهد، قدرت ستودن و تحسین را در فرد احیاء کند، قدرت پرستش زیبایی را در فرد تقویت کرده است.

صلوات و نماز

در همین راستا آن سوی حمد بحث صلوات است. صلوات ان الله و ملائکه... تسلیما... با صلوه مرتبط می‌شود از این جهت که در صلوات جاری شدن رحمت خدا که هدایت ایجاد می‌کند و رحمت‌های خاصی که منجر به نجات انسان‌ها می‌شود و توسعه هدایتی ایجاد می‌کند.

تفاوت صلوه و رحمت، مطلق افاضه وجود را رحمت گویند ولی افاضه وجودی که منجر به هدایت و جریان‌سازی‌های اجتماعی می‌شود را صلوات گویند و این خودش با نماز ارتباط می‌کند. به لحاظ واژه‌ای عین هم هستند. وقتی از صلوه می‌گوید و صلوات یعنی رحمت خاصی که نازل می‌شود، رحمتی است که تعیین پیدا می‌کند و تبدیل به نظامات می‌شود و حکومت تشکیل می‌دهد. رحمت‌هایی است که به نظام‌های هدایتی ختم می‌شوند و شکل پیدا می‌کنند. صلوات رحمت شکل یافته است. صلوه هم ذکر شکل یافته است. هر دو در شاکله داشتن و نظام داشتن با هم یکی می‌شوند. خیلی بهم نزدیک می‌شوند. هر چقدر نظام ولایی اسلام مثل اقتصاد توحیدی یا نظام‌های آموزشی درست ارتقاء یابد یعنی صلوات در عالم جاری شود بطور طبیعی صلوه هم در عالم جاری می‌شود. این دو واژه حمد و صلوات مفاهیم بلندی هستند و بیشتر مفاهیم نظام‌سازانه هستند و دارای درجه بلندتری نسبت به مفاهیم قبلی که مطرح شد دارند. حذف بدی‌ها با بی‌اعتنایی به نماز امکان‌پذیر نیست. نماز جزء مؤثر از این صلوات محسوب می‌شود. روایت‌هایی که در خصوص عمود الدین بودن نماز مطرح می‌شود، در واقع در دستگاه مختصات صلوات به آن نگاه شده است. حتما باید در نظام هدایتی نماز باشد. صلوة شاخصه جاری شدن رحمت شکل یافته در جایی می‌شود.

بحث‌های حمد و صلوات نماز را به سمت مباحث حکومتی و حاکمیتی می‌کشاند. بحث‌های حمد به سمت موضوعات هنری و کارهای رسانه‌ای و تبلیغ می‌رود. صلوات نماز را به سمت آبادانی و همه آنچه زندگی را شکل می‌دهد می‌کشاند. و اجازه می‌دهد یک زندگی به سمت حیات طیبه سوق پیدا کند.

زنبورهای عسلی که به کوه می‌روند اولین کاری که می‌کنند خودشان برای خودشان خانه درست می‌کنند. وقتی شما می‌آیید کندو درست می‌کنید به زنبور کمک می‌کنید که از اول برود سراغ تولید عسل و صلوات چنین حالتی دارد. خیلی صلوات وارد مفاهیم نظام‌سازی می‌شود و در اینجا نماز شاخص می‌شود. برای رفع محرومیت‌ها هر کاری را در شهر خود انجام می‌دهیم باید به بحث نماز منتج شود. کسانی که در شهرهای مختلف برای محرومیت‌زدایی فعالیت می‌کنند اگر برآیند کارشان به سمت نماز نرود چه بسا بیشتر به آن شهر لطمه بزنند. اگر محرومیت‌زدایی منجر به گسترش نماز شد احتمال موفقیت در کار بالا می‌رود. این موارد باید مورد دقت قرار گیرد.

وقتی نماز به عنوان شاخص قرار می‌گیرد بحث نماز در انواع عملیات‌های مختلف مطرح می‌شود. در هر عرصه‌ای که کار می‌کنید که یک رحمتی را به صورت شکل یافته ترویج می‌دهید که اسمش صلوات است، صلوه باید شاخص ارزیابی آن باشد. یعنی میزان ثمربخشی هر کاری در هر عرصه‌ای با نماز مشخص می‌شود. مفهوم صلوه عمود دین است باید محقق شود.

نماز با حمد و با صلوات، خشوع، ایمان، ذکر، عقل، احسان ارتباط پیدا کرد و یک منظومه تشکیل می‌دهند. ارتباط مؤثری با هم دارند و مؤلفه‌های پیوسته و وابسته هستند. این هفت مورد در بعد مفاهیم بودند. یعنی وقتی در مورد نماز مفهومی کار می‌شود این مؤلفه‌ها دارای اهمیت می‌شوند و هر کدام در جایگاه خودشان رکنی از ارکان زندگی انسان هستند. ولی حقایق جاری در عالم هستند. مثل رحمت، مثل حمد، مثل ایمان و تفکر و عقل در ساختارهای ادراکی انسان قرار می‌گیرند و باز جاری در نظامات عالم هستند. از طرفی گفته شد که خیلی قالب پیدا می‌کند مثل سجده، رکوع و قنوت و قرائت و تکبیر و نیت و اذان و اقامه که اینها را از مولفه‌های نماز می‌دانیم و دارای قالب هستند. حتی قنوت شکل دارد. سجده شکل دارد. ایمان و حمد و خشوع شکل ندارند و اینها مفهومی هستند. اجزاء نماز دارای شکل هستند ولی آنهایی که مفهومی هستند شکل ندارند. از شکل دار بودن در کارهای هنری می‌توان استفاده کرد.

بنابراین دو دسته واژگان برای نماز طرح شد. یک دسته در قالب مفاهیم و یک دسته هم مولفه‌های نماز که مفاهیم نماز را به دوش می‌کشند ولی شکل ندارند. حتی در روایات برای مثلاً برای تکبیره الاحرام شکل قائل شده‌اند. مثل اینکه دنیا را پشت سر می‌گذارد و اقبال می‌کند به الله.

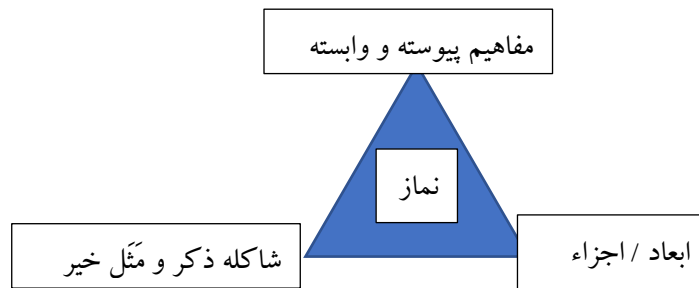
اجزاء نماز در واقع به نوعی ابعاد نماز هستند و شما می‌توانید اجزاء را با خصوصیاتشان تعریف کنید. ابعاد شکل دارند و این ابعاد قابلیت مثل زدن دارند. این اجزاء کل را هم در برمی‌گیرند و با یک جزء می‌توان کل نماز را تعریف کرد. سجده همان نماز است و قنوت همان نماز است.... همان نماز است که شکل یافته است. بدین ترتیب می‌توان روی یک جزء تمرکز کرد.

نماز را به اندازه اعضایی که دارد می توان تعریف کرد.

رکوع را می توان خضوع و انقیادی در نظر گرفت که در اثر قرائتی به قیامی منجر می شود و در نهایت قرب و شهادت را نصیب فرد می کند.

سجده قربی است یا تقریبی یا ملاقاتی است با پروردگار که در اثر تبعیت خاضعانه ای فرد را به تسلیم و شهادت می رساند. حسن این ماجرا در این است که برای نماز به اندازه اجزای نماز تعریف و شکل پیدا می کنید و این نکته مهمی است. کسی که هنرمند است این موضوع را خیلی خوب درک می کند. چراکه شکل دادن یک حقیقت کار سختی است.

در واقع یک مثلث درست کردیم و در آن یکسری مفاهیم، یکسری ابعاد و جریان فرایند نماز است که به صورت خیر یا ذکر شکل یافته در نظر گرفته شد. مفاهیمی مانند خشوع، ذکر، ایمان، حمد و صلوات از مفاهیم هستند. ضلع دیگر می شود ابعاد که همان اجزاء بودند مثل رکوع، سجده، قنوت و تکبیره الاحرام و وجه سوم شاکله ذکر بود از یک سمت و مثل خیر بود از سر دیگر این وجه.



دانستن این سه وجهی خیلی کارآمد است و با دانستن آن می تواند خیلی مطالب را بدست آورد. با این مثلث در هر سوره ای که وارد شوید پر از نکات مختلف خواهید شد.

مثلا در سوره مبارکه مریم مفاهیم رحمت را می بینید و سجده هم دارد و در شاکله ذکر در واقع یک زندگی کلش می شود نماز. کاری که مادر حضرت مریم کرد و فرزندش را نذر خدا کرد کل زندگی اش را تبدیل به نماز کرد. در واقع روی نیت و تکبیره الاحرام کار کرده است. همه اتفاقات که برای مریم شکل می گیرد شکلی از ذکر دارد ولی متفاوت. اتفاقاتی که برای افراد مختلف سوره در مواجهه با سوره اتفاق افتاد و در هر لحظه ای کار خاصی انجام دادند متناسب با آن لحظه. در شاکله ذکر از بالا نگاه می کنید. از پایین وقتی می بینید خیراتی که در سوره هست را مثل نماز می گیرید. مثلا دعا کردن در سوره. رحمت از بالا و دعا از شاکله نوعا از اجزاء اصلی هستند و سمت ابعادش حالت های مختلف می گیرد. سلام هم در سوره جزء دعاست. همین که در ذهن شما تنوع ایجاد شود، حقایق نازل می شود. حقایق در اثر تنوع و تنوع مفاهیم نازل می شود. در حالت تفصیل مفاهیم در بین آنها قرار می گیرد.

مفاهیمی بی‌شکل و مجرد و در قسمت ابعاد با از نماز باشد و اجزاء آن و در ضلع دیگر شکلی از نماز باشد که تعیین پیدا می‌کند که به آن شاکله خیر یا ذکر می‌گوییم.

اگر نماز برای کسی جذاب و جالب باشد به طور طبیعی می‌تواند تبلیغ نماز کند. نماز را تبلیغ کنیم با دلچسب بودن نمازها برای خودمان و ارتقاء نمازهای خودمان.

برنامه‌ریزی روی نماز خود می‌تواند روی نماز دیگران بویژه خانواده اثر بگذارد. بشرط آنکه نماز افراد اعصاب‌خرد نباشد.

بچه مکلف چهارده پانزده ساله‌ای که بگوید نمی‌خواهد نماز بخواند را کاری نمی‌توان کرد. باید حرف زد تا آنها را متقاعد کرد. مهمترین مشکل خانواده‌ها با فرزندانشان این است که نمی‌توانند با فرزندانشان حرف بزنند. مهمترین کاری که باید در خانواده‌ها انجام داد در هر موضوعی این است که بتوانند با فرزند خود یک ربع تا بیست دقیقه صحبت کنند بدون اینکه به دعوا ختم شود. تا زمانی هم که اینکار را نکنند نمی‌توانند توصیه‌ای به نماز آنها داشت.

نشانه اینکه علمی بر شما افزوده می‌شود این است که سوال‌های شما نسبت به موضوعی بیشتر شده است.

نماز در هر سوره‌ای ابزار تحقق غرض آن سوره می‌شود.

و....انشالله اردوی بعدی مزین به نام امیرالمومنین علیه السلام

الحمد لله رب العالمین

اللهم صل علی محمد و آل محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ إِلَّا بِهَذَا
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
 ۱۵۳ بقره
 یعنی در سختی که به نماز رو آورید نمازی که همراه با صبر است.
 یعنی سختی‌ها باید ما را به سمت خدا بکشاند تا به نفع، و باز شدن گره‌ها کشیده شویم.
 والسلام ۱۲ آذر ۹۸
 اردوی مشهد - نماز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳ بقره)

یعنی در سختی‌ها به نماز رو آورید نمازی که همراه با صبر است.

یعنی سختی‌ها باید ما را به سمت خدا بکشاند تا به نفع، و باز شدن گره‌ها کشیده شویم.

والسلام ۱۲ آذر ۹۸

اردوی مشهد - نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَالْإِنْفَاكِ بِرَبِّهِمْ عَلَىٰ مَا هُمْ بِمُعْتَدِينَ

یعنی نماز در صورتی برآورد دوست داشتنی و خواتمی را شود

گوهر خضوع را در خود احیا کنند.

هر چه خضوع در فرد بیشتر شود، نماز برای او در دست سستی می‌شود.

خضوع نرم شدن و پذیرش است و تواضع در نزد قلب است که وجود آن

را می‌توان با نماز و صلوات و موضوعات نزد با نماز سفت

والسلام

۱۳ آذر - ۱۳۸۸

اردو نماز



Scanned with
CamScanner

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ إِلَّا بِحَمْدِهِ

وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْلِ وَالصَّلَاةِ وَأَنْهَاكُمْ بِالْكَفْرِ وَالْعُنُفِ إِلَّا الْخَائِضِينَ
آیه ۴۵ بقره

یعنی اگر من خواهم فرزندانمان نمازخوان شوند تو هر ضعیف را در مانا
شکوفای کنید.

فرزند من توانم ضعیفم را با عفو و مهر با سرد کار دارم
سجانه بگویم و بسنود و بنیزم و تحت تأثیر عواطف قرار گیرد.
داد و ستد عاقلی رنر شکوفای تو هر ضعیف در کودمان و همان رنر
نمازخوان شدن آنهاست.

والسلام
۱۳ آذر ماه - ۱۳۸۴
اردکان نماز

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين صلوات الله وسلامه
 واستغفروا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الا على الخائضين
 ليصون انهم ملاقاتهم وانهم اليه راجعون بقره آية ٤٥
 يثني ان رسي خداوند براي بزرگ با نماز براي بزرگ و عفت خود
 و نزل و بار نسيبت. آنکه خداوند در پيش پيشان تو صد است
 نماز براي در از دست است.
 شروع در پذيرش خداوند و ملاقات با او با نماز حاصل شود
 خوش لحظه است لحظات ملاقات براي کسی که خدا را همه کار عالم است
 و بر هر چیز دانا و بر هر کار که تواناست.

والسلام
 ۱۳ آذر - مشهد
 اردوی نماز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی
آیَاتِ نَمَازِ دَر فَرائِ آیَاتِ بِ تَطَرُّهْتِنَا وَتَوَكُّلِنَا
وَزَوْقِ بَابِ بَرَكَاتِ مَلَكُوتِ .
نُوشْتِ حَالِ كُنْتُمْ اِنْ آیَاتِ رَا .
جَمْعِ جَمْعِ بِنُوشْتُمْ دِیَارِ حَسَنِ بِنُوشْتُمْ .



Scanned with
CamScanner

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ صَلَّیْ عَلَیْكَ یٰ مُحَمَّدَانِ

چقدر عجبیم ما!

ما فواہیم خود دسیران را نماز خوانیم گفتی نماز ما را

ارتقا دهیم

و نمی دانیم خدا در باره نماز چه گفته و چه خواهد!

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هُوَ الَّذِیْ

وَعَدَ رَحْمَتَهُ لَنَا رَوْضًا

كَمْ دَمٍ اَزْ خَدَائِزِنَا وَكَمْ نَارٍ بِرَأْسِ نَهْمِنَا، نَارِی

سِتِّ سِتِّ
مَلَقَا صَا



Scanned with
CamScanner

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَفُتْنَا فِي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

وقتی خداوند در سوره مائده می فرماید:

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ آتُوا مِنْ حَقِّهَا وَلَعِبَا ذَلِكُمْ يَنْهَى

قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ آيَاتِهِ

یعنی نماز واقبال: آن مربوط به آن است که به عمل آورند
روی می کشد.

به اعتنا به نماز از حاکم نبود عمل در فرد واجب است.

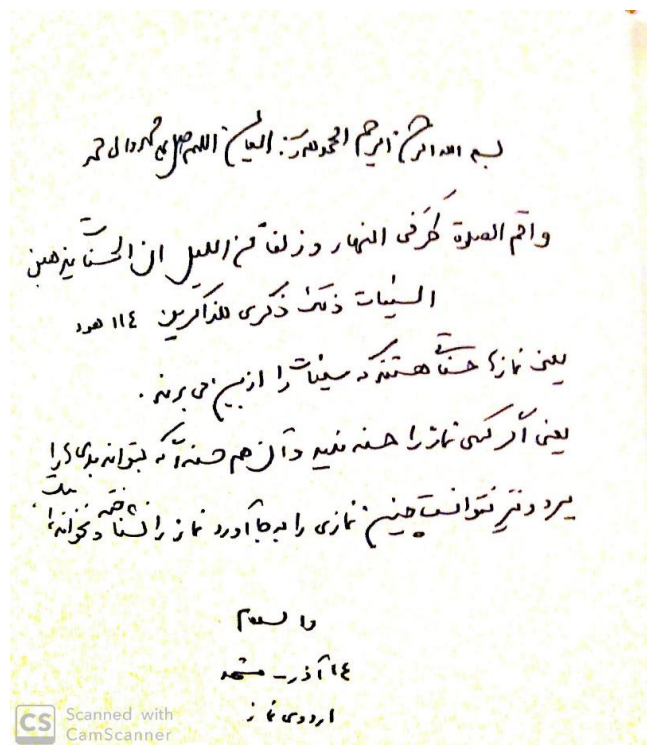
والسلام
۱۳ آذر - مشهد
ارده نماز

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

چندریا لایستد رابع نماز و عمل
یعنی هر قدر فرزندان را عاقل تر بارید و هم نماز خواندند
و اگر نماز خوانند یعنی عاقل تر شده اند!



Scanned with
CamScanner



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ كَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفَى مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ

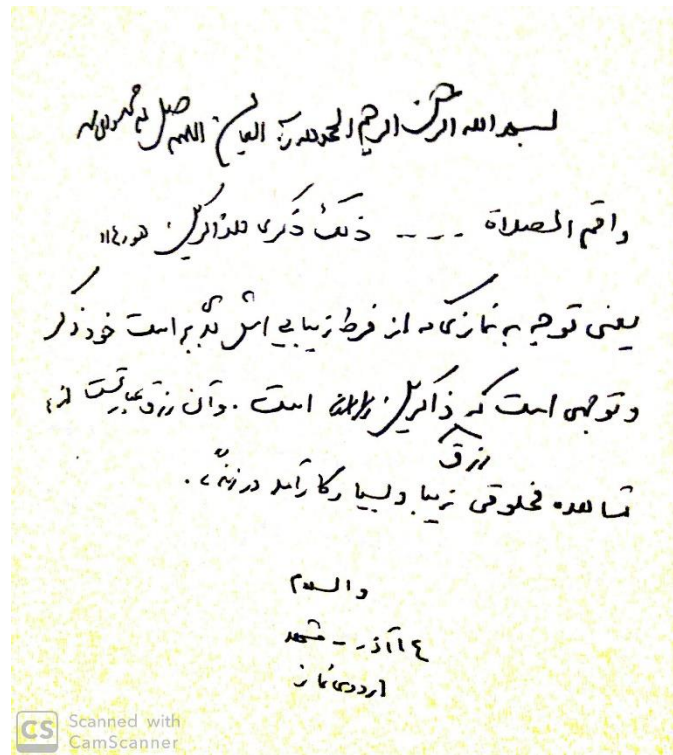
بِهَا السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ۱۱۴ هـ

یعنی نمازها حسناتی هستند که سیئات را از بین می برند.
یعنی اگر کسی نماز را حسنه ندید و آن هم حسنه ای که بتواند بدی ها را ببرد و نیز نتوانست چنین نمازی را به جا آورد نماز را نشناخته و نخوانده است.

والسلام

۱۴ آذر - مشهد

اردوی نماز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

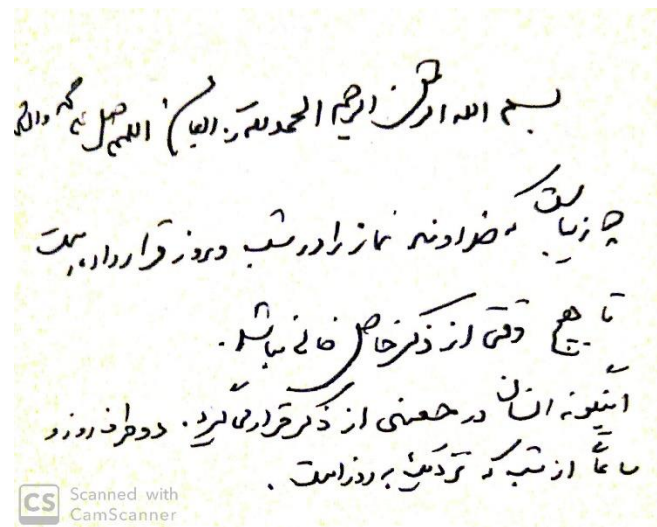
وَاقْمِ صَلَواتَهُ ... ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّاكِرِينَ هود ١١٤

یعنی توجہ بہ نمازی کہ از فرط زیبائی اش بدی بر، است خود ذکر و توجہی است کہ رزق ذاکرین است. و آن رزق عبارتست از مشاهده مخلوقی زیبا و بسیار کارآمد در زندگی.

والسلام

١١٤ آذر - مشهد

اردوی نماز



بسم الله الرحمن الرحيم

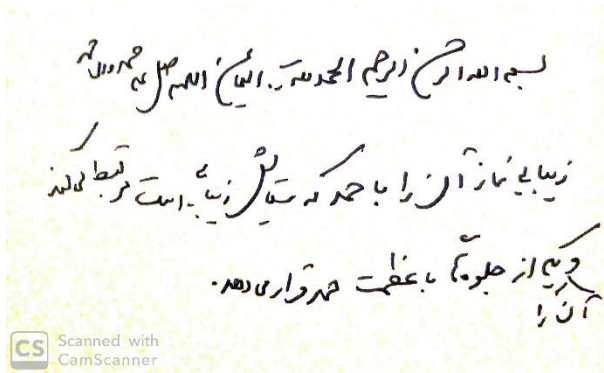
الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

چه زیباست که خداوند نماز را در شب و روز قرار داده است تا هیچ وقتی از ذکر خاص خالی نباشد.

اینگونه انسان در حصنی از ذکر قرار می گیرد.

دو طرف روز و ساعاتی از شب که نزدیک به روز است.

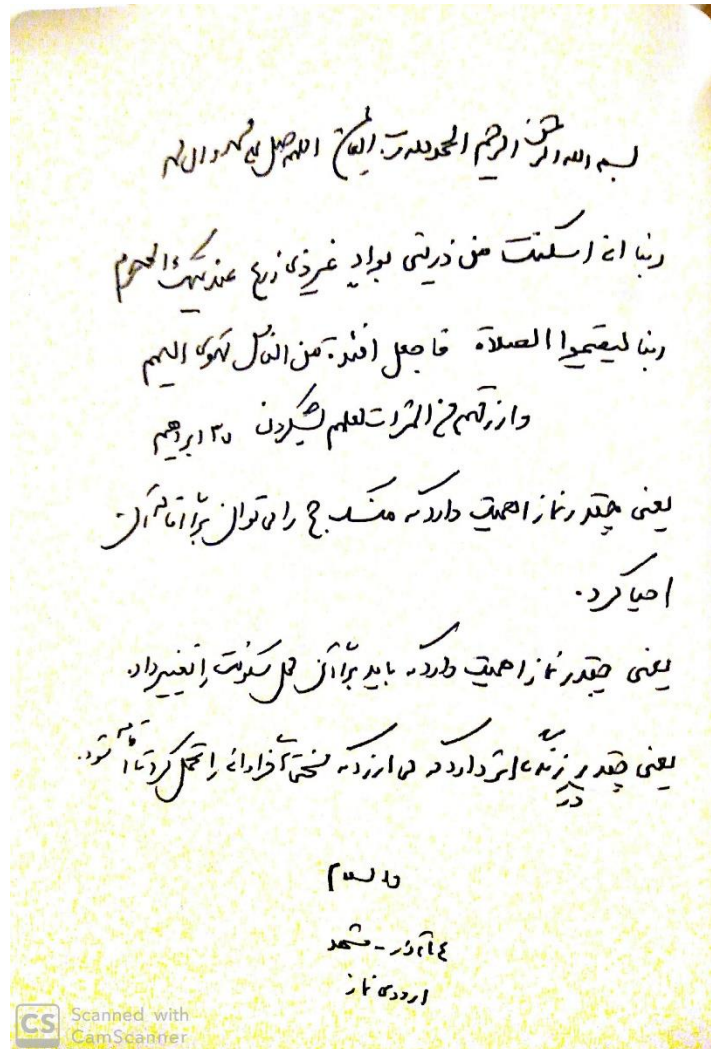


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

زیبایی نماز آن را با حمد که ستایش زیبایی است مرتبط می کند و آن را یکی از جلوه های با عظمت حمد قرار می دهد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

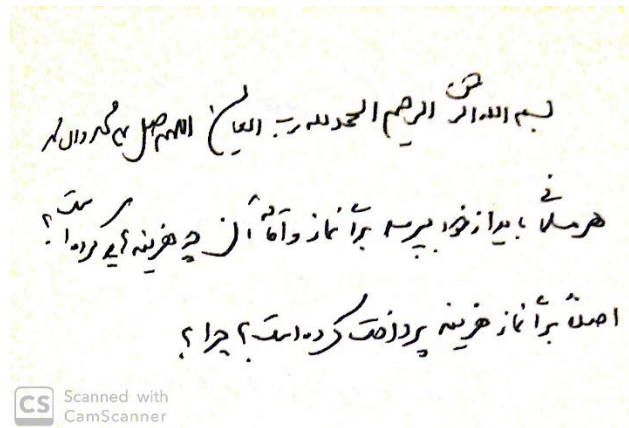
رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۳۷ ابراهيم

يعنى چقدر نماز اهميت دارد كه منسك حج را مى توان براى اقامه آن احيا كرد.

يعنى چقدر نماز اهميت دارد كه بايد براى آن محل سكونت را تغيير داد.

يعنى چقدر در زندگى اثر دارد كه مى ارزد كه سختى هاى فراوانى را تحمل كرد تا اقامه شود.

والسلام ۱۴ آذر - مشهد اردوی نماز



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

و اقم اصلوه طرّفی النهار و زلفاً من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين ۱۱۴ هود

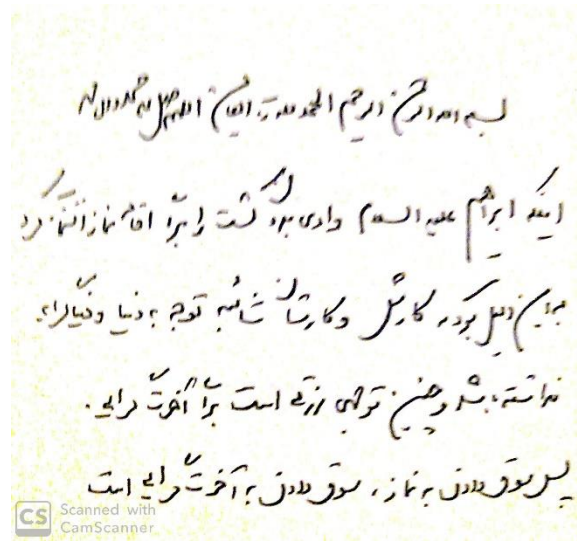
يعني نمازها حسناتی هستند که سيئات را از بين می برند.

يعني اگر کسی نماز را حسنه ندید و آن هم حسنه ای که بتواند بدی ها را ببرد و نیز نتوانست چنین نمازی را به جا آورد نماز را نشناخته و نخوانده است.

والسلام

۱۴ آذر-مشهد

اردوی نماز



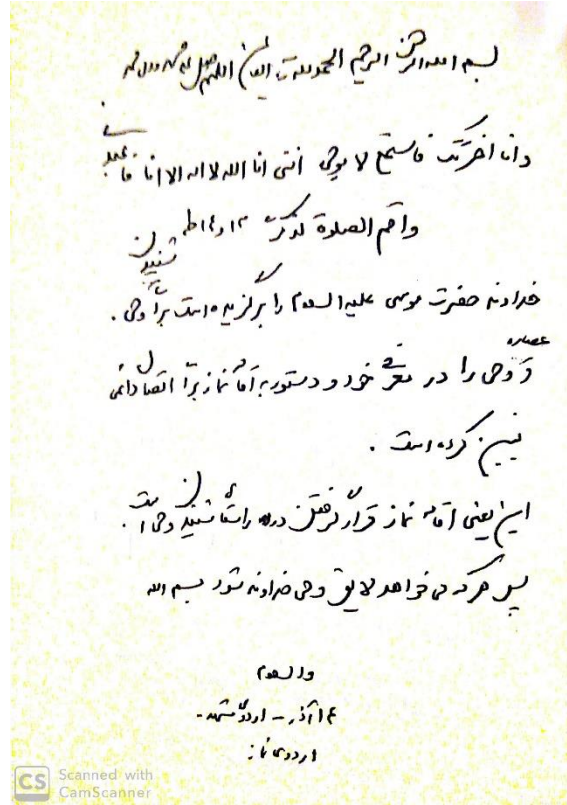
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

اینکه ابراهیم علیه السلام وادی بدون کشت را برای اقامه نماز انتخاب کرد به این دلیل بود که کارش و کارشان شائبه توجه به دنیا و دنیاگرایی نداشته باشد و چنین توجهی رزقی است برای آخرت گرایى.

پس سوق دادن به نماز، سوق دادن به آخرت گرایى است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى

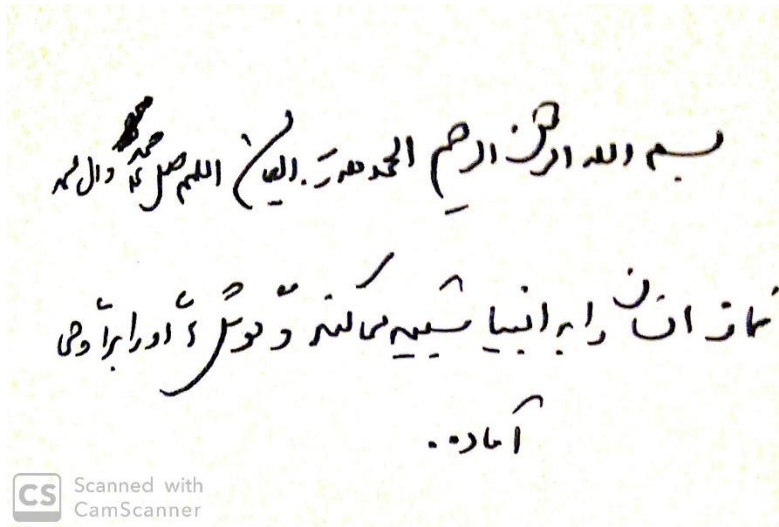
إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ۚ ۱۳ و ۱۴ طه

خداوند حضرت موسی علیه السلام را برگزیده برای شنیدن وحی.

و عصاره وحی را در معرفی خود و دستور به اقامه نماز برای اتصال دائمی تبیین کرده است.

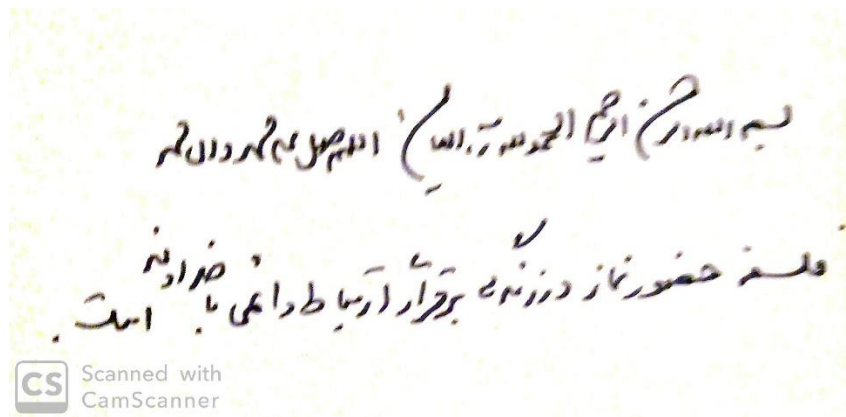
این یعنی اقامه نماز در راستای شنیدن وحی است.

پس هر که می خواهد لایق وحی خداوند شود بسم الله



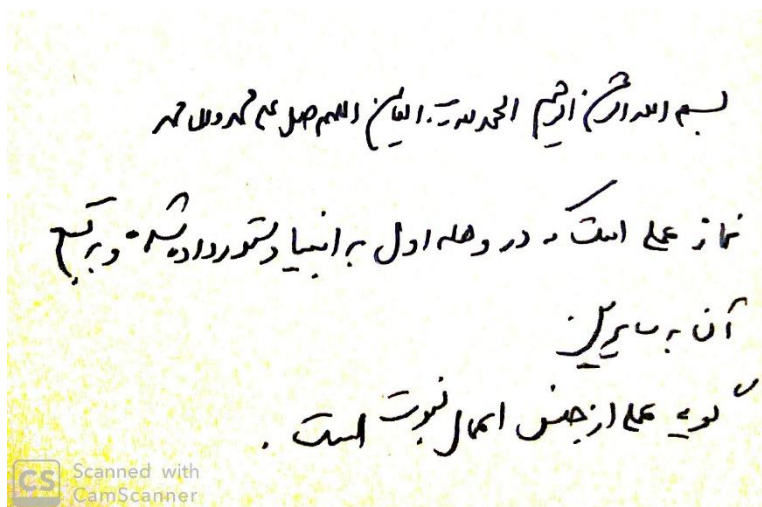
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

نماز انسان را به انبیا شبیه می کند و گوش های او را برای وحی آماده.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فلسفه حضور نماز در زندگی برقراری ارتباط دائمی خداوند است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَجَدَ الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

نماز عملی است که در وهله اول به انبیا دستور داده شده و به تبع آن به سایرین.

گویی عملی از جنس اعمال نبوت است.